

فرهنگستان یزد



وَقَدْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ عَلَمٍ

تقویت تولید داخلی

اقتصاد معارف و معارف

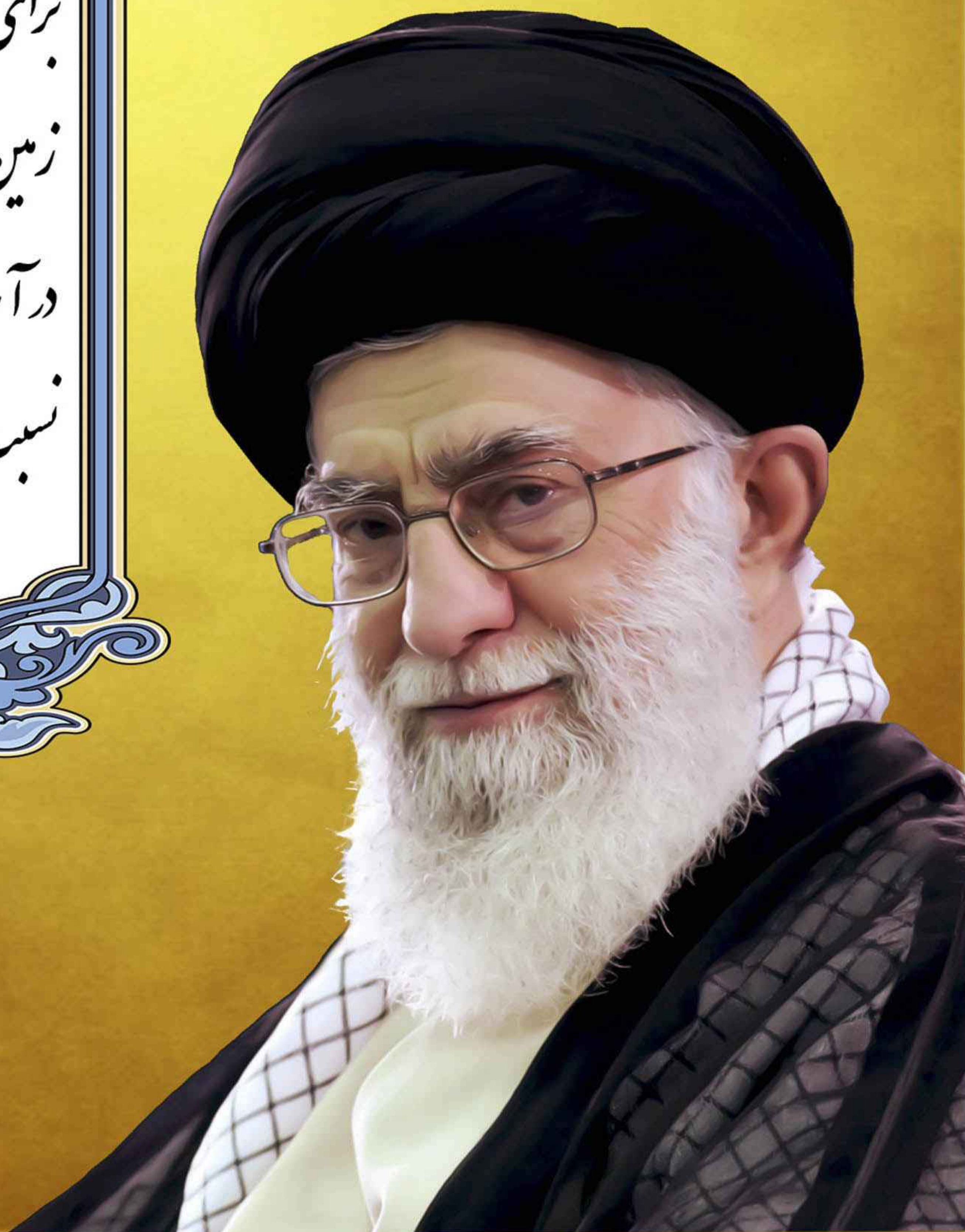
نفع بی‌کای

حل مشکل کود

مهاجرانی
سال ۱۵

پایه برآورد (ص)

برای معلم و عالم، تمامی آنچه در آسمان و
زمین است، استغفار می‌کنند حتی ماهیان
در آب و فضیلت و برتری معلم و عالم
نسبت به عابد به برتری ماه نسبت به
ستارگان می‌ماند.



طراح: سعید جعفری کافی آباد



دانشگاه فرهنگیان یزد



سرکار خانم دکتر ناظمیان

جناب آقای دکتر رضایی اردانی



نهاد رهبری در دانشگاه فرهنگیان یزد

حجت الاسلام والمسلمین خراسانی

مسئولین نشریه فرهنگیان یزد

مدیر مسئول:

علی اصغر شریفی نعمت آباد

سردبیران اصلی:

زهرا شایق، محمد جابر سالاری گوهرریزی

مشاور:

محمد حسن لاله زاری، محمد رضا طیبی میبدی

مدیران هماهنگی:

سجاد ساردویی، زهرا جعفری

مدیر اجرایی:

جابر ممیز الاشجار

مدیر مالی:

محمد مهدی رفیعی مجومرد

دبیر هیات تحریریه:

مریم بهزادی

روابط عمومی:

زهرا فاضل یزدی

مصاحبه گران:

مجتبی غلامی زارچ، زهرا عبدلی سخویدی

عکاسان:

ایمان برزگری بنادکوک، مریم رئیسی نافچی

تیم طراحی و گرافیک:

علیرضا دهقان طزرجانی، مصطفی عادل، سعید جعفری، حسین فلاح

مدواری، محمد زارعین، مائده نعمت اللهی.

سردبیران بخش ها:

محمد حسین غریب (علمی و پژوهشی)، امین تیموری (هنری)، محمد

امین میمندیان (طنز)، میلاد اکرمی ابرقویی (فناوری)، علی دهقانی

تفتی (مذهبی)، فاطمه آقا عسکری (پرونده ویژه)، رحیمه دشتی (سیاسی)،

فریمه کاظمیان (ادبی)، سیده الهه طباطبایی (مهارت های معلمی)،

پریسا کارگریان (روانشناسی)، شهره عامری (فرهنگی، اجتماعی)، هما زارع

بیدکی (سلامت)

تیم الکترونیک:

محمد رضا دهقانی فیروز آباد، سید علیرضا پور مسجدی، مصطفی

غمخوار، حجت دهقانی، سجاد صادق زاده، فاطمه شهبازیان

تیم ویراستاری:

میلاد شجاعی، هادی دهقانیان نصر آبادی، محسن طاهر پور، رضا زادگی،

محسن ابراهیمی پور، احمد عسکر پور، محمد جواد جلاقی، محمد رضا

رحمانی شمسی، ابراهیم کاشفی، مهدی حیدری، مهشید واعظ

مسئولینی که در این شماره مارا یاری نموده اند:

برادران

علی محمد فرجیان، محمد کاظم رحیمی نژاد، عباس سلمان، عباس موحدی نسب، محمد علی غنی، سید عباس حسینی، محمد حسن زارعیان

خواهران

خانم زنبق، خانم محمودی، خانم سلیمی

نشریه تریبون آراء و نظرات نویسندگان است و انتشار نقطه نظرات نویسندگان لزوما به معنای تایید آن توسط نشریه نیست

ادبی

سیاسی

هنری

مذهبی

فرهنگی

علمی پژوهشی

سلامت

فناوری

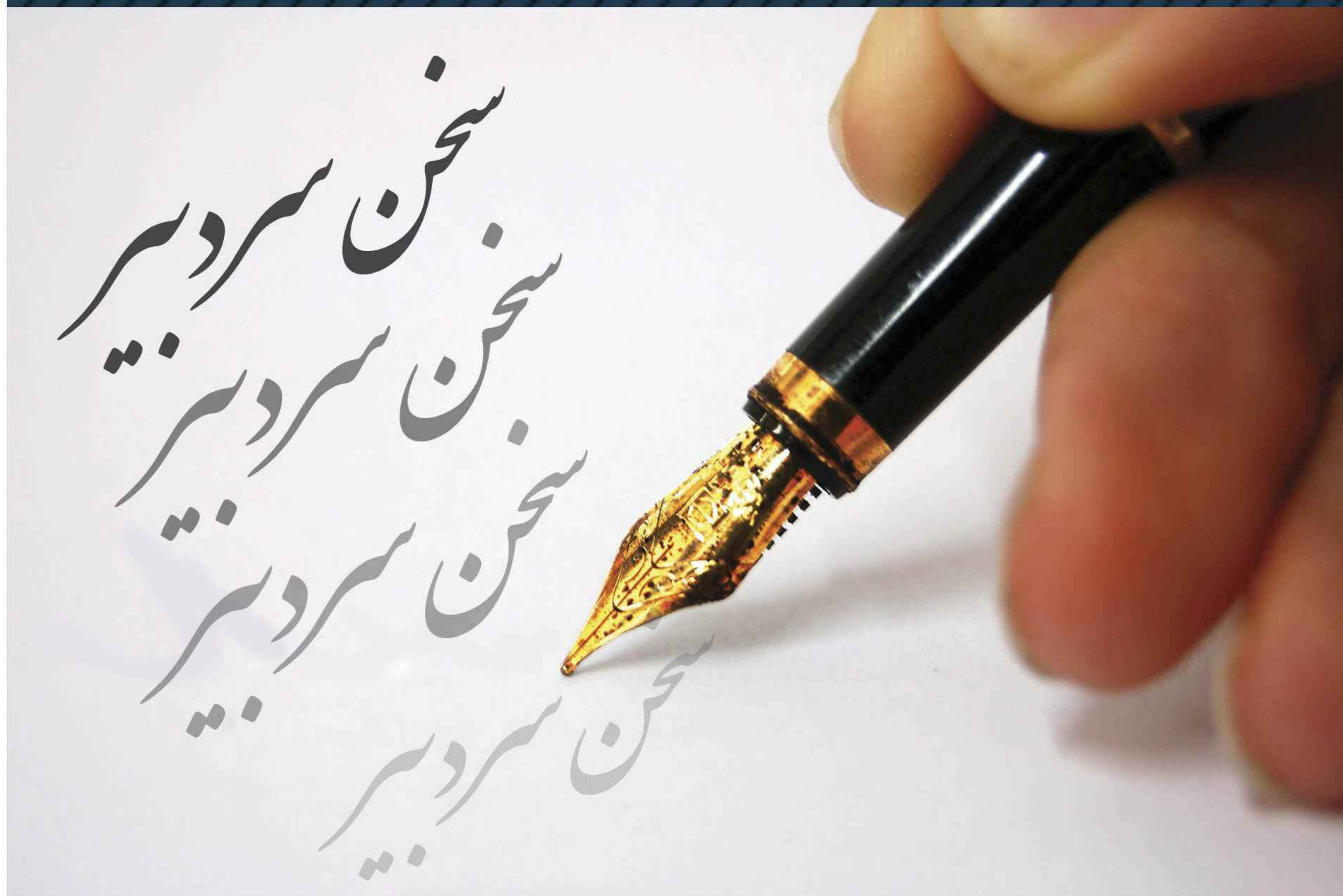
مهارت معلمی

طنز



سخن سردبیر.....	۳
بیا دنیایی بسازیم.....	۴
دلی نوشته ای در رابطه با معلم.....	۴
تقویم ادبی، مسابقه.....	۵
جایگاه آموزش و پرورش در تحقق اقتصاد مقاومتی.....	۶
جلوه بصیرت زیر نقاب یک معلم فرهیخته.....	۷
تقسیم منهای انصاف.....	۸
مار و پله دانشجویی.....	۹
چکیده مقالات.....	۱۰
ترسناک یا مایه خجالت؟.....	۱۱
مصاحبه با یک معلم نمونه و موفق یزدی.....	۱۲
پرونده ویژه.....	۱۳
طرح باغ شبنم.....	۱۷
معلم موفق.....	۱۸
تدریس در مدرسه هوشمند.....	۱۹
معرفی سایت.....	۱۹
تحلیل نقاشی کودکان.....	۲۰
هنری.....	۲۱
با دانش آموزان بیش فعال چگونه برخورد کنیم؟.....	۲۲
رضایت گم شده زندگی امروز.....	۲۳
چگونه می توان بچه ها را به مطالعه علاقه مند کنیم؟.....	۲۳
چگونه می توان بر فرزندان از نظر اجتماعی.....	۲۴
آثار تربیتی خانواده بر فرزندان از نظر اجتماعی.....	۲۵
معرفی کتاب.....	۲۶
آموزش همراه با قصه گوئی معجزه می کند!.....	۲۶
معرفی کتاب.....	۲۷
آموزش لحظات معلمی من.....	۲۷
شیرینی لحظات معلمی من.....	۲۷
خوب دیدن، راهکار برای رفع مشکلات املائی.....	۲۷
رفع مشکلات املائی.....	۲۷
نماز ما و نیاز خداوند.....	۲۷

نسخه الکترونیک: www.farhangianyazd.ir
رایانامه: yazd_farhangian@yahoo.com
کانال تلگرام نشریه: [@farhangian_yazd](https://t.me/farhangian_yazd)



با سپاس و ثنا بر آستان احدیت و با استعانت از درگاه بی همتا و وسیعش؛ مشعوفیم که با شماره سوم نشریه فرهنگیان یزد در سال جدید، خدمت شما طلایه داران علم و عمل هستیم. قبل از هر سخنی لازم می دانم دوازدهم اردیبهشت؛ سالروز شهادت بزرگ مرد عرصه ی علم و معلمی؛ استاد مطهری و روز بزرگداشت معلم را گرامی بدارم و به شما معلمین آینده تبریک بگویم. پر واضح است که شهید مطهری، هم ارزش کار معلمی و تأثیر ابعاد وجودی خود و نقش علم را در عالم هستی به خوبی می دانست و هم به معارف اسلامی عشق می ورزید و هم دانشجویانش را دوست می داشت.

خالی از لطف نیست که یادآور شوم ایشان چندی قبل از شهادت خود گفته بودند: (من امروز بیشتر از گذشته در خود آمادگی برای آموختن احساس می کنم. امروز دلم می خواهد که دائما مطالعه کنم و بیاموزم و تدریس کنم و بیاموزانم).

رمز توفیق استاد مطهری را باید فراتر از ظرفیت فکری او؛ در مذهب بودن، اخلاص، صداقت، دردمندی و مسئولیت پذیری ایشان نسبت به اسلام و جامعه اسلامی جست و جو کرد و شاید "شهادت" بهترین پاداشی بود که از خداوند متعال دریافت کرد و همین امر نیز در جاودانگی فکر ایشان تأثیر فراوانی داشته و خواهد داشت.

به راستی چگونه می توانیم حق این استاد را آن طور که سزاوار است ادا کنیم؟ حال که توفیق معلمی نصیبمان شده، امید است ادامه دهنده ی راه آن استاد باشیم. در پایان کلام، آرزویمان این است که نشریه ی فرهنگیان یزد، بتواند موجب دوستی ها و آشنایی های بیشتری شود و در ایجاد فضای پرسشگرانه و صمیمی محیط دانشجویی شما معلمان عزیز و بزرگوار، مؤثر باشد.

عارفان علم، عاشق می شوند
بهترین مردم، معلم می شوند
عشق بادانش متمم می شود
هر که عاشق شد معلم می شود

بیا دنیایی بسازیم

به نام بی نام او یا تا شروع کنیم
 در امتداد شب نشینیم و طلوع کنیم
 هم نیست چگونه، چطور و چند
 به یک تلنگر ساده یا تا رجوع کنیم
 سین که خاک چگونه به سجده افتاده
 چرا غرور و تفاخر یا تا رکوع کنیم
 محمد علی طاهری

طلوع؛ آشناترین واژه ی نا آشنای این روزها. طلوع نور در دل تاریکی، طلوع محبت، طلوع امید، طلوع بالندگی و...

چقدر چشمانم برای لمس روشنائی بی تابمی کنند. اشک هایی که تمام بی عدالتی ها و ظلمت دنیایمان بر چشم هایم روانه ساخت مرا رهسپار دنیای کاغذی کرد. دنیایی که بی منت و با تمام وجود به من می آموزد، دنیایی با سکوتی مالا مال از اندیشه ها و گفته های ناب، دنیایی که زخم زبان نمی زند، به دیده ی حقارت کسی را نمی نگرد و تو را با هیچ چیز و هیچ کس که تنها با من حقیقی ات مقایسه می کند. به راستی کجای کار می لنگد؟ نکند خشت اول را کج بنا نهاده ایم؟ چرا دیوار انسانیت با شیبی فراتند کج شده است؟

شاید بد نباشد داستانی از بچه های همواره فقیر از مادیات و اما غنی از روح انسانیت قاره ی آفریقا؛ قاره ای که با نهایت نژادپرستی قاره ی سیاهش خواندیم و در متن همین اندیشه ها، همواره آیین اسلام ناب را که نژادپرستی امریست منفور را به زبان جاری ساختیم، را با هم بخوانیم.

یک پژوهشگر انسان شناس در آفریقا، به تعدادی از بچه های بومی یک بازی را پیشنهاد کرد. او سبدی از میوه را در نزدیکی یک درخت گذاشت و گفت هر کسی که زودتر به آن برسد آن میوه های خوشمزه را برنده می شود. هنگامی که فرمان دویدن داده شد، آن بچه ها دستان هم را گرفتند و با یکدیگر دویده و در کنار درخت، خوشحال به دور آن سبد میوه نشستند. وقتی پژوهشگر علت این رفتار آن ها را پرسید و گفت در حالی که یک نفر از شما می توانست به تنهایی همه ی میوه ها را برنده شود چرا از هم جلو نزدیک؟ آنها گفتند: "اوبونتو" به این معنا که "چگونه یکی از ما میتونه خوشحال باشه در حالیکه دیگران ناراحتند؟!"

"اوبونتو" در فرهنگ "زوسا" یعنی "من هستم، چون ما هستیم". حقیقتا باید احسنت گفت به این همه انسان بودن...

اوبونتو مرا سخت به فکر فروبرد. چطور این مفهوم عظیم را بیاموزم و به دیگران یاد دهم؟؟

شاید اولین قدم تعمیر روابط نیمه ساخته و یا ویران بین بزرگترها باشد. اگر روابط انسانی آنطور که بایسته و شایسته است بشود و همه نحوه ی برخورد با یکدیگر را بیاموزند دنیایمان گلستان خواهد شد.

دوست من! دانشجوی امروز و معلم فردا! یادمان نرود که معلمی نقاش نقش های نکو بودن است و چه نقشی زیباتر از رد پای خدا بر روی زمین؟! به گمانم اگر برخی فوت کوزه گری ابداع کردند وقتش رسیده که ما نیز فوت انسانگری ابداع کنیم. آری!!! در این عصر ماشینی انسانم آرزوست...

معلم

معلم مهربان آموزگارم
 تویی تنها کلام روزگارم
 به من علم و بصیرت یاد دادی
 به من مهر و محبت یاد دادی
 به من آموختی تا پاک باشم
 فرو افتاده همچون خاک باشم
 تو گفتی کودکی دلشاد باشم
 سراپا شوق و در فریاد باشم
 تو از دین و شریعت یاد دادی
 پلیدی ما همه بر باد دادی
 تو از دنیا به ما گفتی معلم
 تو از عشق خدا گفتی معلم
 تمام تار و پودم بسته ی توست
 سراپای وجودم بسته ی توست
 تو هستی در دل و یادم معلم
 ز عشقت تا ابد شادم معلم

شاعر: سعید عابدینی دبیر زبان و ادبیات فارسی
 مصاحبه و ارسال کننده: سعید جعفری کافی آباد

دل نوشته ای در رابطه با معلم









و خداوند معلم را آفرید تا تجلی ایثار را به وضوح به آدمیان نشان دهد؛ به راستی که این فرشتگان زمینی تنها می توانند از جانب خدای خوبی ها باشند. انعکاس خدا را می توان از دریای چشمانشان دریافت. آری! آنها همان پیامبران زمان حال اند، پیامبرانی که معجزه ای از جانب پروردگارشان هستند. به راستی بیدار کردن روح به خواب رفته ی آدمیان، کم از دم مسیحایی عیسی نیست و هدایت هزاران هزار انسان آن هم غرق در دریای ضلالت کم از کار نوح نیست. مهربانی عادت این قشر است و جز مهر الهی چه چیز می تواند یک انسان را تا این حد ایثارگر کند؟! در دنیایی که طوفان تخریب انسانیت روز به روز افسار گسیخته تر می شود، معلم ها میسوزند تا بسازند...

بسازند انسانیت شرف و آزادگی را... به راستی که تقدیر از تو، در توان انسان-های زبونی چون ما نیست و تنها خدا، قادر به تقدیر شایسته ی توست... از لوح وجود تا لوح کلاس، رو سپیدیمان را مدیون تویییم... ای معلم!!



تقویم ادبی

عطار	۲۵ فروردین			۲۵ اردیبهشت	فردوسی
سعدی	۱ اردیبهشت			۲۸ اردیبهشت	خیام نیشابوری
ملک الشعرای بهار	۲ اردیبهشت			۱ اردیبهشت	سهراب سپهری

بهار، تجلی گه بزرگداشت شاعران نامی از جمله: عطار نیشابوری، سعدی، فردوسی و حکیم عمر خیام است؛ و نیز درگذشت ملک الشعرای بهار و سهراب سپهری را با خود به همراه دارد. در اینجا به بررسی دیدگاه و سبک شعری برخی از این شاعران می پردازیم:

عطار به عنوان یک مربی اخلاق همواره رسالت داشت تا به کمک اشعارش آدمی را از سیل گمراهی و خطر سقوط در دام وسوسه های نفسانی برهاند؛ پس به همین سبب نیز راوی داستان عارفانه و عاشقانه هایی می شود که تماماً تفسیر و تصویر روح است؛ وی بنا به نظر عارفان در زمینه ی عرفانی از مرتبه ای بالا برخوردار بوده است، چنان که مولوی درباره ی او می سراید: "هفت شهر عشق را عطار گشت/ ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم"

فردوسی در شاهنامه تنها به بیان حماسه ها نپرداخته بلکه به موضوعات اخلاقی هم پرداخته است؛ **سعدی** هم در بوستان تحت تاثیر کلام فردوسی است. هر دو، پندها و نصایح را برای تأثیر بیشتر کلام، از زبان دیگران بیان کرده اند. از جمله پندها و نصایح این دو شاعر می توان به موارد زیر اشاره کرد: خرسندی و پرهیز از آز، خاموشی در سخن، نیک نامی، دریافت گنج در پی رنج، سفارش به مدارا و نکوهش تندى، سفارش به دادگری، نهان داشتن راز، دخل و خرج، درباره مرگ، تمثیلهای و کنایات، بی فایده گی تربیت بدگهر و سفارشهایی در تدبیر جنگی.

سهراب سپهری با اعتقاد به وحدت وجود که از اصول عرفان اسلامی است، معتقد است، که همه ی انسان ها از اصلی واحد منشأ پذیرفته اند و در نهایت به او می پیوندند و با اعتقاد به وحدت ادیان بیان می کند که تمامی دین ها دارای اصولی مشترکند و تنها در فروع با یکدیگر تفاوت دارند. او با گرایش به طبیعت آن را موجود زنده ای می داند و همگان را به بازگشت به آن دعوت می کند. شعر سپهری پر است از اشارات وحدت وجودی. خدای سپهری، خدایی دور از انسان و خارج از عالم نیست بلکه نزدیک انسان و در همین عالم است: «خدایی که در این نزدیکی است/ لای این شب بوها، پای آن کاج بلند/ روی آگاهی آب، روی قانون گیاه»

همه ی لحظه های او مراقبه است، همه چیز را یکسان می بیند و خود را در همه و همه را در خود. «من پر از نورم و شن/ و پر از دار و درخت/ پر از راه، از پل، از رود، از موج/ پر از سایه ی برگی در آب.»

مهدیه زارع

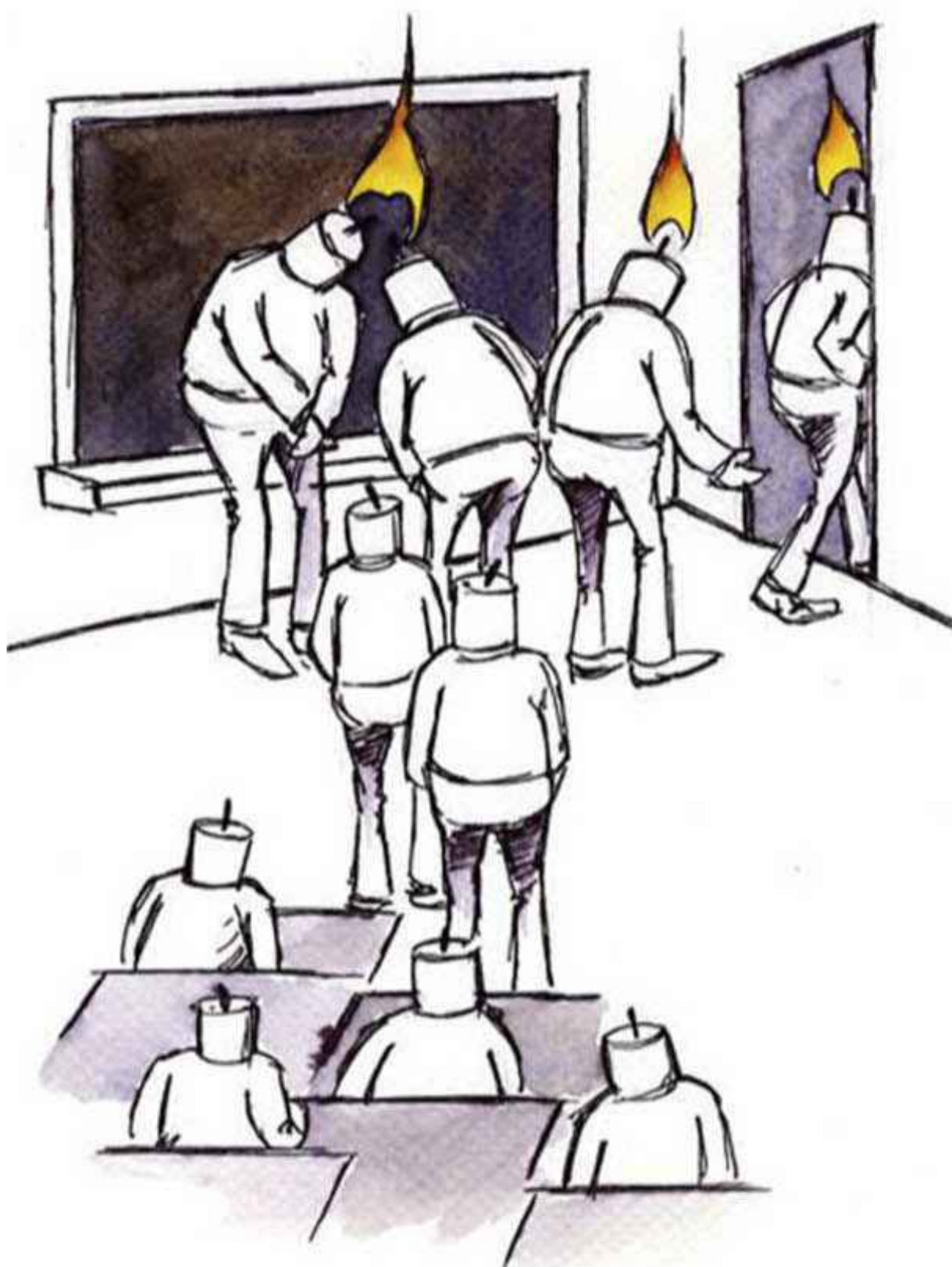
مسابقه

گاهی باید قلمت را برداری
با خودت خلوت کنی
نبض کلمات را در دستت بگیری

و
از "دلت" بنویسی

چقدر از دل نوشتن آسان است و چقدر سخت می توان دل کند از نوشتن ...
دوستان عزیزم

این بار که قلمتان را برمی دارید، برای ما بنویسید! از حسی که تصویر مقابل به شما می دهد و نوشته هایتان را برای ما ارسال کنید.





جایگاه آموزش و پرورش در تحقق اقتصاد مقاومتی

جعفر برهانی / مدرس دانشگاه یزد

وقتی به تاریخ برمی گردیم، ردپای پیگیری اقتصاد مقاومتی را از دوره قاجار به بعد تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بین علما و بازاریان می بینیم که در تنازع با جریان ترقی خواه غرب—گرا تلاش هایی از خود بجای گذاشتند که فقط یک نمونه مشهور آن، حکم حکومتی مرحوم میرزای شیرازی در دعوت ایرانیان به تحریم توتون و تنباکوست. پس از انقلاب اسلامی اکنون اوضاع به سمتی پیش رفته که تحقق اقتصاد مقاومتی نقطه ی ثقل کارآمدی نظام ج.ا.ا به شمار می رود و از این رو پس از نوساناتی که پس از جنگ تاکنون متاسفانه بدان مبتلا بوده ایم اکنون باید تمام ظرفیت ها برای تحقق آن به کار گرفته شود. اما جایگاه آموزش و پرورش و مدارس در این خصوص کجاست؟ شکی نیست که جایگاه آموزش و پرورش در این خصوص، کلیدی است. از یک سو معلمان و به تبع آن شاگردان با نگاه به تجربه تاریخ معاصر ایران می توانند اهمیت و ضرورت این موضوع را بشناسند و لذا می توانند در گفتمان سازی مقوله اقتصاد مقاومتی و توجیه خانواده و افکار عمومی جامعه بهترین نقش را ایفا نمایند.



علم بهتر است یا ثروت؟



کاریکاتور: رحیمه دشتی

می دانیم که گفتمان سازی شرط اصلی موفقیت در تحقق اقتصاد مقاومتی است. اما از سوی دیگر تحقق اقتصاد مقاومتی مستلزم شکل گیری مبانی فکری و عقیدتی خاصی در جامعه است که در این سال ها به شدت مورد هجوم نرم اندیشه های لیبرالیستی قرار گرفته است. از اینرو باید دنبال شکل گیری جامعه با بصیرت بود و لایه زیرین بصیرت همانطور که رهبر فرزانه انقلاب چند سال پیش متذکر شدند «فلسفه حیات» است. و برای تبیین فلسفه حیات بر اساس آموزه های مکتبی و ایجاد رابطه صحیح بین دنیا و آخرت و آموزش سبک زندگی ایرانی - اسلامی چه جایی بهتر از مدرسه؟! و می دانیم که شاگردان امروز، دولتمردان و نیروهای اجتماعی مؤثر فردايند! و از این نظر می توان گفت که آموزش و پرورش شاید آخرین فرصت برای پرداختن به این مهم باشد. در نهایت باید گفت آموزش و پرورش و مدارس ما می توانند در گفتمان سازی و بعلاوه در مقابله با هجوم نرم اندیشه های لیبرالیستی در فراهم کردن زمینه های ایدئولوژیک شکل گیری اقتصاد مقاومتی از جمله «فلسفه حیات» نقش اساسی ایفا نمایند و بدون آن کارها عقیم خواهد ماند.



جلوه بصیرت زیر نقاب يك معلم فرهیخته

محمد اکبر نژاد، دکترای فلسفه تعلیم و تربیت



* برداشت و نگرش شما در مورد سیاست و روند صحیح فعالیت در این حوزه چیست؟

برداشت و اعتقاد من از سیاست، «کار سیاسی» است نه «سیاسی کاری». در کار سیاسی، فرد تحلیل گر سیاسی هست و به دور از تعصبات و وابستگی ها و تعلقات سیاسی و حزبی، با توجه به فرمایش حضرت امام علی (ع) که: «نظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال» - به گفته بنگر نه به گوینده، جانب اعتدال و انصاف را رعایت میکند و هرگز «مصلح شخصی» خود را مقدم بر «مصلح جمعی» نمی کند. در حالی که در سیاسی کاری، اعتقاد «زنده باد - مرده باد» جای تحلیل گری و نگاه منصفانه را می گیرد. در این حالت سیاست حذف و تغییر جای سیاست تعدیل را می گیرد و «بداخلاقی های سیاسی و اجتماعی» و تفکراتی که جانمایه آن «با ما یا بر ما!» است غالباً چنین خاستگاهی دارند.

* واژه بصیرت چه معنی را برای شما تداعی می کند؟

واژه بصیرت از نظر لغوی یعنی عبور از ظواهر و نگاه نافذ به بطون یک ماجرا. از ماده بصیر یعنی دیدن و نگاه کردن گرفته شده به عبارت دیگر به کسی بصیر می گوئیم که به ظواهر امور مشغول نمی شود و فریب تحركات ظاهری و موضع گیری های احساسی را نمی خورد. بصیرت به معنای «آگاهی، شناخت عمیق و اطمینان بخش» و به منزله چشم و نوری است که به انسان، «توانایی درک حقایق و پشت پرده حوادث» و «فهم درست و توانایی تحلیل واقعیت های جامعه» و شناخت «دستهای چدنی مستتر در دستکش های مخملین» و نهایتاً تمایز بخشیدن به «سیرتها و صورتهای بزرگ شده» را می دهد؛ به گونه ای که «راه حق را از باطل» به وضوح تشخیص می دهد و از بحران ها و فتنه ها به سلامت عبور می کند.

* ثمره های وجود بصیرت و پیامدهای فقدان آن کدامند؟

آفت نداشتن بصیرت از نظر بنده «انسانها را با حق سنجیدن است نه حق را با انسانها سنجیدن!». همچنین «وامدار افراد یا جریانات سیاسی شدن»، گرفتار آمدن در باتلاق «سطحی انگاری و قشری نگری»، «ابزار پیشبرد سیاستهای دیگران شدن» و مبدل شده به «مهره سوخته و تاریخ مصرف گذشته» در پروژه های براندازی و

طغیانهای گذرای اجتماعی و سیاسی شدن است. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: «ای کوفیان! من به سه خصلت [که در شما هست] و دو خصلت [که در شما نیست] گرفتار آمده ام: گوش دارید، اما کُردید، و زبان دارید، اما لالید، و چشم دارید، اما کُورید. [و اما آن دو خصلتی که ندارید:] نه هنگام دیدار، آزاد - مردانی هستید صادق، و نه به گاه سختی، برادرانی مورد اعتماد». بصیرت مانند سپری است که در هنگام فتنه ها و مواقف خطرناک انسان را مصون و محفوظ نگه می دارد. شاید از این روست که زره و لباس محافظ جنگی را بصیرت نامیده اند چون انسان را از شمشیرها و ضربه های نابهنگام و غافلانه حفظ می کند.

* عوامل، شاخص ها و موانع موثر در تحقق بصیرت چیست؟

از شاخص های مهم بصیرت سیاسی، «داشتن بینش و آگاهی صحیح و عمیق از معارف دینی و اصولی اعتقادات و باورها، عبرت گرفتن از مسائل گوناگون» است. از دیگر شاخصه های بصیرت می توان به «آگاهی از مسائل سیاسی روز» و «خبرگیری و کسب مهارت تحلیل رویدادهای سیاسی» اشاره کرد. از موانع کسب بصیرت می توان به «دل بستگی به دنیا»، «وامدار دیگران شدن»، «تعصب فکری و اعتقادی»، «افراط و تفریط» و گرفتار آمدن در یکراهی «تعصب یا تحجر»، عدم توجه به دواصل «عصر و نسل» و ... دانست. شاید مهمترین عامل بی بصیرتی را بتوان آلوده شدن فرد به «شهوات و لذت ها» دانست. لذا مقام معظم رهبری در سخنرانی های مکرر خود نسبت به تهاجم فرهنگی هشدار داده و در یکی از این سخنرانی ها فرموده اند: «سیاست امروز سیاست اندلسی کردن ایران است چرا که وقتی جامعه ای مشغول و گرفتار شهوات شد دیگر بصیرت خور را نسبت به مسائل پیرامونی از دست می دهد و همچون اندلس ممکن است کشور را تقدیم کفار نماید».

* صرف دارا بودن دانش سیاسی و همچنین انقلابی بودن در حوزه سیاست داخلی و خارجی به منزله بصیرت داشتن و ضامن گام برداشتن در راستای خدمت به اسلام است؟ بصیر بودن خواص و نخبگان جامعه تا چه اندازه ضرورت دارد؟

سخن زیبایی از مرحوم دکتر شریعتی داریم که می گوید: «حرفها دو گونه اند؛ حرفهایی برای گفتن و حرفهایی برای ناگفتن! حرفهای زدنی را باید فریاد شد و فریاد زد تا ارزش خود را از دست ندهند و حرفهای نازدنی را باید سکوت شد و نگفت تا ارزش یابند». بصیرت سیاسی حکم می کند «آنجا که باید سکوت کرد» کجاست و «آنجا که باید فریاد کرد» و

دفاع کرد، کجاست. کجا باید «قیام حسینی» نمود و کجا باید «صلح حسینی» داشت، کجا باید «ولایتعهدی مأمونی» را پذیرفت و کجا «زندان هارونی» را! حد و مرز واقعیت ها از «مزبله» های بیرونی چیست؟ و به عبارتی در پرتو بصیرت است که نخبگان و خواص جامعه با درک درست شرایط و به دور از مصلحت اندیشی های مزورانه یا جاهلانه، جایگاه زمانی و مکانی «مدیریت گریز - مدیریت ستیز» را درک نموده و نقش آفرین می شوند. بسیاری از خسارتهای اجتماعی و ملی و مذهبی سالیان دور و نزدیک، ریشه در عدم درک این اقتضائات زمانی - مکانی، بویژه توسط خواص و نخبگان جامعه دارد.

* به عنوان سخن پایانی، جایگاه آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان را در نقش آفرینی در چالش های اجتماعی و همچنین تربیت جوامع بصیر با محوریت حفظ منزلت انسانی چگونه می بینید؟

دنایای امروز، انسان را «محور توسعه پایدار» در همه عرصه ها از جمله توسعه سیاسی می داند لذا تربیت انسانهای بصیر و سیاست فهم، جز از مسیر مدارس پویا و معلمین فرهیخته در عرصه سیاسی ممکن نیست.

چنین معلمی باید با «درک محاسبات جهانی» و «برهم کنش های فرهنگی و سیاسی جهانی»، بویژه در آغاز هزاره سوم که نظریه «دهکده جهانی» و «تکثرگرایی» (پلورالیزم) اعتقادی و سیاسی و به تبع آن «جهانی شدن» (که بهتر است جهانی سازی را مترادف واقعی این اصطلاح به کار گیریم!)، «ماهیت و هویت فرهنگی و سیاسی و ارزشی» کشورها را در معرض «مسخ و استحاله» قرار داده است،

در تربیت سیاسی دانش آموزانش، «بصیرت مندانه، عالمانه و عازمانه» اهتمام ورزد. بر این اساس برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان را زمانی می توان در یک «مفهوم فراگیر»، فهم کرد که آن را در متن اجتماعی، اقتصادی و از همه مهمتر در متن سیاسی اش مکان یابی نمود.

مصاحبه کننده: رحیمه دشتی



تقسیم منهای انصاف

یکی از ترس های هردانشجو معلم بعد از ترس از معاون آموزشی، حراست، گزینش، نگهبان و ماکارونی سلف، ترس از تقسیم شدن و تعیین محل خدمت. که الحق ترس به جایی هم هست. شما حساب کن چهارسال از عمر بابرکت رو که میتونست صرف خدمات ارزشمندی چون رسیدن به مدارج بالایی کلش آف کلنز یا شکستن رکورد لایک در اینستاگرام بشه رو اومدی دانشگاه و داری با تلاش و کوشش پیایی و این در و اون در زدن و کانون تشکیل دادن و تو همایش نشستن وغیره برای خودت مدرک و گواهی و ساعت و ضمن خدمت جمع میکنی به این امید که بعد از پایان این چهارسال با کوله باری از امتیاز بری به شهر و دیار خودت و در بدو ورودت جشنی برپا بشه به یمن قدوم مبارک که همچون سوپرمن نازل گشتی بر سر مردم این دیار تا با تجارب برخاسته از حدود ۱۶۰ واحد درسی دانشگاه فرهنگیان تحولی در امر آموزش ایجاد کنی و انگار همه ی امید شهر به توست و خلاصه من آنم که رستم بود پهلوان.

در همین افکار کذا وقت میگذرونی که یکهو خبر میرسه چه نشسته ای که بدو بیا میخوایم پخش و پلاتون کنیم. باروبندیل میبندی و هراسان ازینکه نکنه شهرت در بین شهرها نباشه و مجبور باشی به شهرستان همسایه بری یا نکنه یکی دیگه از تو بیشتر امتیاز جمع کرده باشه و اول اون انتخاب کنه. با این حال تمام مدارک و گواهی هات رو جمع میکنی تا سندی باشه دال بر یکه تاز بودن در تمامی عرصه های دانشگاه و میری به محل حادثه. اونجا که رفتی اون وسطا اسمتو میخونن و تو اعتراض میکنی به این صورت که:

+چرا من اول نباشم؟

—چون بقیه متاهلن امتیازشون بیشتره

+خب پس اینهمه مدرک و گواهی و ضمن خدمت چی؟

—اینا رو دور نریز. ساندویچ بیچ توش تا خاصیتشون به خوردش بره

+پس لااقل یه ماه وقت بدین من قول میدم با یه معلم که بچه هم داشته باشه و بچه شم دانشجومعلم باشه ازدواج کنم تا امتیازم از همه بزنه بالا!

—دیگه دیره. سریع بین شورتپه و دورآباد یکیو انتخاب کن.

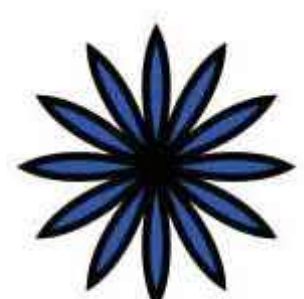
+خب این کجا هست؟

—ببین! اول میری ناکجاآباد. بعد به سمت مشرق یه بیابونه، تو بیابون میری میری میری تا میرسی به یه تیربرق اونجا شورتپه س. دور آبادم هنوز کسی برنگشته که آدرسشو بپرسیم، بلد نیستیم ولی درخواست نیرو دادن باید یکی بره. حالا چیکار میکنی؟

درین لحظه شما چشمتو میبندی و تموم تخیلات و مراسمی که قرار بود برات بگیرن رو شیفت دیلیت میکنی و به چهار پنج سال دیگه از عمر پربارت که قراره پودر شه فکر میکنی.

با آرزوی تقسیمی خوش برای همه

محمدامین میمندیان



الهی هرچی درده، با طبییش

وهرچی شعر طنزه، با ادیبش

الهی هر که با ما دشمنی کرد

غذای سلف دانشگاه نصیبش

غذایش را به جز کوکو ندیدم

به جز زردی به روی او ندیدم

همیشه ساکت و آرام و قانع

کسی را مثل دانشجو ندیدم



تقدیم به همه معلمها

فریمه کاظمیان

معلم با آموختن به یک انسان، کلید بهره‌برداری از گنجینه‌ی تمام نشدنی را به او می‌دهد.
مقام معظم رهبری



مار و پله دانشجویی

قوانین بازی:

برای ورود به این بازی، باید حداقل معدل ۱۴ رو داشته باشین، که همچین کار سختی نیست. رتبه کنکوری تون هم هرچی بود مهم نیست، فقط همین که دانشگاه ما رو انتخاب کردین، برامون کلی ارزش و اهمیت داره. ما حتی برامون مهم نیست که به خاطر حقوق و مزایاش این رشته رو انتخاب کردین، یا چون عاشق معلمی هستین. در واقع روند بازی به گونه ایه که تنها عاشقاش می تونن به خونه ی آخر برسن! شما باید سه بار تاس رو بندازین؛ اگه مجموع امتیازها تون ۱۰ شد، اون وقت می تونین وارد خونه ی شروع بشین و این به معنی قبولی شما توی سه مرحله ی معاینه پزشکی، گزینش و مصاحبه اس که به عبارتی پلی برای رسیدن به قله ی آرزوها تونه.



<p>پست بندی (تعیین محل خدمت در بهترین مدرسه یزد)</p> <p>۲۵</p>	<p>بدون شرح (به علت کمبود جا از ارائه توضیح واضحات معذوریم!!!)</p> <p>۲۴</p>	<p>بخش نامه (از بالا بخش نامه آمده که مار بگذرد، کاری هم نمی شود کرد! اشتباهات بخش نامه، بخشی از بخش نامه است!!!)</p> <p>۲۲</p>	<p>تقریحات دانشجویی (محتویات این خانه هنوز شناسایی نشده است!)</p> <p>۲۱</p>	<p>چوب دراز (من و حراست بعد از انتشار نشریه، همین الان یهوئی!!!)</p> <p>۲۰</p>	<p>ازدواج دانشجویی (بازبخش مجموعه ی پرطرفدار زی دی گولو)</p> <p>۱۹</p>
<p>کارورزی (میان ماه من تا ماه گردون *تفاوت از زمین تا آسمان است)</p> <p>۱۳</p>	<p>آمادگی جهت خدمت در مناطق محروم (آدم همیشه تو محدودیت ها ستاره میشه)</p> <p>۲۳</p>	<p>پیشرفت علم پزشکی (ابتلا به انواع بیماری های شناخته نشده)</p> <p>۱۵</p>	<p>برگ ریزان (خسته ام از این کویر * این کویر کور و پیر)</p> <p>۱۶</p>	<p>ابهام هویت (دانشجو + معلم = شترمرغ)</p> <p>۱۸</p>	<p>جلسه توجیهی (پایبندی والتزام عملی به شعار «خواهرم حجابت را، برادرم نگاهت را»)</p> <p>۷</p>
<p>تدابیر و ترفند های مختص دانشگاه (not responding)</p> <p>۱۲</p>	<p>تمرین صبر و حوصله (لقمان را گفتند: صبر در کجا آموختی؟ گفت: در کافی نت دانشگاه فرهنگیان!!!)</p> <p>۱۱</p>	<p>امتحانات (ز ترس ولرز مشروطی، چه خون افتاد در دل ها)</p> <p>۱۰</p>	<p>همزیستی (پاس کردن واحدهای عملی و اجباری جانورشناسی)</p> <p>۹</p>	<p>حمایت از ایده های ناب (تاسیس کانون ها و انجمن های دانشجویی)</p> <p>۸</p>	<p>همایش و سمینار (خمیازه ی پی در پی و پاییدن ساعت *نسکافه و آبمیوه و صد گونه صنعت)</p> <p>۶</p>
<p>تبریک (من و این همه خوشبختی محاله)</p> <p>شروع</p>	<p>خوش آمدید (بدبختی یه سال بالایی هم نداریم برامون جشن بگیره)</p> <p>۲</p>	<p>ناز و نیاز (همه چی آرومه * من چقد خوشحالم * یه معلم هستم * به خودم می بالم)</p> <p>۳</p>	<p>معارفه (مسئولین وارد می شوند!)</p> <p>۴</p>	<p>نون و پیاز (خوردن غذاهای درجه ۱ مخصوص سرآشپز)</p> <p>۵</p>	<p>همایش و سمینار (خمیازه ی پی در پی و پاییدن ساعت *نسکافه و آبمیوه و صد گونه صنعت)</p> <p>۶</p>

نهایی

نیمه نهایی

حذفی

مقدماتی

مریم بهزادی - با همکاری علی عباسپور بحرانی
طراح: امین تیموری



آثار تربیتی فقدان والدین بر فرزندان

از مشکلات جدی و فراگیر و دغدغه های موجود در امر تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش فرزندان فاقد والدین در ایران می باشد. بر اساس آمارهای رسمی کشور حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از دانش آموزان کشور را افراد محروم از پدر و مادر و یا یکی از این دو والد تشکیل می دهند. کمبود پدر و مادر در زندگی اجتماعی، تحصیل و تربیت فرزندان فاقد والدین تأثیر بسزایی گذاشته است. هر چند آموزه های دین اسلام و خصوصاً شیعه و فرهنگ مردم ایران بر توجه و رسیدگی به کودکان فاقد پدر و مادر تا حدودی برخی از کمبودهای عاطفی و اقتصادی آنها را برآورده ساخته است اما در جامعه صنعتی امروز و با توجه به تهاجمات فرهنگی غرب و وجود ماهواره و اینترنت و مفسد اجتماعی در جامعه زمینه مفسد اخلاقی و انحرافات اجتماعی جوانان و نوجوانان بیش از پیش فراهم شده است. فرزندان فاقد والدین به دلیل کمبودهایی که از لحاظ عاطفی و اجتماعی در جامعه دارند بیش از فرزندان که دارای پدر و مادر می باشند در معرض این انحرافات قرار دارند. در این تحقیق به بررسی عوامل تأثیرگذار بر تعلیم و تربیت فرزندان فاقد والدین شامل افت تحصیلی، تأثیرات تأثرات اجتماعی بر تربیت آنها، مسائل و مشکلات جنسی اینگونه فرزندان و نقش جامعه اسلامی و وظیفه مسلمین بر تربیت آنها پرداخته شده و راهکارهای موجود در ارتقاء و پیشرفت تحصیلی این فرزندان و علل و عوامل موفقیت آنها در جامعه ارائه گردیده است.

مهديه كمالي زارچ و آتنا ولي زاده

تحليل كتب هديه هاي آسماني دوره ي اول ابتدائي از منظر احترام و نيكي به والدين و مقدار توجه به آن در كتب

موضوع و هدف مقاله به این قرار است؛ تحلیل کتب هدیه های آسمانی دوره ی اول ابتدایی از منظر احترام و نیکی به والدین و مقدار توجه به آن در کتب و به نوعی با توجه به سؤالات پژوهش، سعی ما بر این بوده است تا موضوع موردنظر را شکافته و به نوعی به توضیح در مورد خود کلمه ی احترام و نیکی به والدین به شیوه ای نو و به روش تحلیل توصیفی از نوع کیفی و با استفاده از منابع معتبر و دسته اول موضوع موردنظر، موردبحث قرار گیرد و به نوعی به یافته های تازه ای دست یابیم. بر اساس یافته ها، در کتاب "کتب هدیه های آسمانی دوره ی اول ابتدایی" احترام و نیکی به والدین و مقدار توجه به آن در کتب به نحو بارزی و آشکارا خود را نمایان می کند و معلم نیز در کنار کتب نقش بسیار عمیقی را در رساندن آن ها به بچه ها به جا می گذارد. تمام این مسائلی که بررسی شد، به یک نتیجه منتهی می شود؛ و آن این است که کتاب ها و منابع مدنظر سعی بر آن داشته اند که در ایران اسلامی نقش احترام به والدین را که بعد از خداوند متعال در دین اسلام نقشی کلیدی است و نگه داشتن حرمت ها باعث انجام گناهان فراوانی می شود را، در ذهن فراگیران نهادینه ساخته و بچه ها در خانه احترام فراوانی را برای والدین خود داشته باشند.

محمد حسين غريب ميبدي، حامد رنجبر، هادي عبيدي نسب،
رضا جعفري ندوشن، فاطمه غريب قزل سوقلو

تأثير معلمان بر کاهش آسیب های ناشی از شبکه های اجتماعی بر دانش آموزان

شبکه های اجتماعی مجازی که نسلی نو از سامانه های اینترنتی اجتماع محور و بر پایه ی هنجارهای جوامع غربی هستند، در حال گسترش روز افزون در تمامی نقاط جهان می باشند. در ایران نیز از بدو پیدایش این شبکه ها مخاطبان آن در کشور پیوسته رو به فزونی بوده است. شبکه های اجتماعی مجازی با توجه به کارکردهای متنوعشان برای ترویج سبک زندگی مبتنی بر اینترنت، مورد استقبال قرار گرفته اند. در این رسانه های اجتماعی نوین، رسانه دیگر مالک مخاطبان نیست، محدودیت زمان و مکان وجود ندارد، متن، صوت و تصویر در دسترس همگان قرار گرفته است و برقراری ارتباط می تواند با کارهای روزانه عجین شود. در این میان نوجوانان بیش از همه، این رسانه اجتماعی را در زندگی خود به کار گرفته اند. یکی از موضوعاتی که می توان آن را به لیست دغدغه های والدین اضافه کرد، میزان حضور دانش آموزان در فضای مجازی و پرسه زدن آن ها در شبکه های اجتماعی است. چرا که کمتر مادری را می توان سراغ داشت که از وقت تلف کردن های فراوان فرزندش در فضای مجازی شکایت نداشته باشد، موضوعی که شاید بتوان نام اعتیاد اینترنتی را هم بر آن گذاشت. این روزها یکی از مواردی که به باور بسیاری از کارشناسان به عنوان آسیب جدی تلقی می شود و باید بیش از گذشته مورد توجه باشد، نفوذ شبکه های اجتماعی مانند لاین، تلگرام، واتس آپ و... در بین دانش آموزان است. هدف این نوشتار بررسی رابطه میان شبکه های اجتماعی و نوجوانان است. به عبارت دیگر، هدف اصلی این تحقیق بررسی شبکه های اجتماعی نوین و پیامدها و کارکردهای آن در زندگی روزمره ی نوجوانان و نقش معلم در کاهش و یا جلوگیری از مشکلات و آسیب ها است.

محدثه شريفی

بایدهای معلمی با چشم اندازی بر آثار شهید مطهری

آنچه در این مقاله مورد نظر است معرفی بایدهای هنر معلمی از دیدگاه و بیانات شهید معلم، مرتضی مطهری می باشد. به منظور دستیابی به اهداف محوری مذکور، از روش کتابخانه ای به صورت تحلیلی استفاده شده است. مهم ترین یافته های این بررسی، بیانگر این موضوع است که معلم باید دو خصیصه ی سواد و فرهیختگی که تعالی بخش اویند را، در خود نهادینه کند. تردیدی نیست که نهادینه کردن ارزش های معنوی و فرهنگی جامعه به دست معلمان رقم می خورد. یک معلم با اعمال یا عدم اعمال تربیت درست و انسانی می تواند به اجتماع خدمت یا خیانت کند. معلم باید بداند اداره کردن یک کلاس درس در شرایط مساوات و محبت به همه ی دانش آموزان ضروری است و این که همیشه محبت جواب نمی دهد و گاهی اعتدال لازم است. به گفته ی شهید مطهری: هرکسی را در هر سنی که هست اگر می خواهند تربیت کنند و پرورش بدهند، اول باید برایش روشن کنند، بفهمد که چه دارند میگویند و برای چه، بعد در همان مسیر او را پرورش دهند، در میان تمام موجودات تنها انسان است که بعد از تولد کامل نیست و باید رشد کند که از این رشد در جهت کمالات انسانی و خصوصیات اخلاقی تعبیر می شود. از این رو ویژگی های یک معلم فرهیخته را داشتن: روحیه سالم، قلب سلیم، اخلاص و محبت، جاذبه و دافعه، صبر و حوصله، آزادی عقیده و دینداری می توان بیان کرد.

عارفه اسدي زارچ
محمد اکبر نژاد



هما زارع بیدکی

علاوه بر ایجاد ناراحتی هایی که به علت گزش ایجاد می شود، انتقال دهنده بیماری تیفوس و تب ناشی از گزش شپش نیز می باشد.

قطعی ترین راه تشخیص شپش، مشاهده رشک یا تخم یا خود شپش در قسمت های مودار بدن است. اگر فرد آلوده به شپش در هنگام شانه زدن موها با شانه ی مخصوص تشخیص شپش سر را روی یک حوله سفید خم کند، تشخیص شپش ها بسیار آسانتر خواهد بود. بهتر است سر روی سینک دستشویی، وان حمام، حوله و یا چیزهای مشابه خم شود تا پس از مشاهده توسط آب شسته شود. جاهای تاریک و گرم محل مناسبی برای رشد شپش ها می باشد.

این انگل از طرق زیر منتقل می شود:

- ۱- تماس مستقیم افراد سالم با افراد آلوده به شپش.
- ۲- استفاده کردن از وسایل شخصی فرد آلوده به شپش مثل لباسها، کلاه، روسری، برس، شانه، حوله، ملحفه، پتوو....

راههای پیشگیری

- ۱- رعایت بهداشت و استحمام منظم و شانه زدن مو به دفعات زیاد
- ۲- معاینه کلیه افراد خانواده در صورتی که یکی از اعضای آنها مبتلا شده باشد.
- ۳- اگر آلودگی شدید باشد بهتر است لباس و ملحفه در آب جوش به مدت ۳۰ دقیقه جوشانده شود و از اتو برای خشک کردن لباس ها استفاده شود.
- ۴- از لوازم شخصی و لباس های افراد آلوده به هیچ عنوان نباید استفاده کرد.
- ۵- پس از هر تعطیلات باید دانش آموزان پس از بازگشت به محیط آموزشی معاینه شوند.

درمان شپش سر:

- ۱- اصول بهداشت فردی به دقت رعایت شود.
- ۲- لباس فرد آلوده به طور منظم و صحیح باید تعویض شود و همچنین بدن فرد مرتباً شسته شود.
- ۳- استفاده کردن از شامپوی پرمترین.



ترسناک یا مایه خجالت؟

شپش ها تنها از خون انسان تغذیه می کنند. شپش بالغ برای تخم ریزی و تکثیر باید روزی دو بار از خون انسان تغذیه کند. طول آن ۲-۳ میلی متر می باشد و رنگ آن ها صورتی نیمه شفاف و سیاه است. شپش های سر دارای سه جفت پا برای خزیدن و حرکت در امتداد موها هستند. اصولاً شپش ها در موهای خشک بسیار سریعتر رشد می کنند. ابتلا به شپش را با استفاده از شانه مخصوص می توان تشخیص داد.

از مهم ترین محل های بروز این بیماری مدارس و مهدهای کودک می باشند. علاوه بر ایجاد مشکلات روانی برای دانش آموزان و خانواده آنها، آلودگی به شپش می تواند باعث ایجاد اختلالات جسمی و بیماری های ثانویه ای شود که از طریق شپش منتقل می شوند. احتمال ابتلا به شپش در تمامی افراد فارغ از رنگ پوست، رنگ مو و مذهب وجود دارد. بیشتر کودکان دارای سن ۳ تا ۱۲ سال مورد حمله شپش قرار می گیرند. جالب است بدانیم شپش های سر انسان نمی توانند در موهای حیوانات خانگی ادامه زندگی دهند.

هر شپش بالغ ماده روزانه حداکثر ۵۶ تخم می تواند بگذارد. به تخم شپش که بیضی شکل هست و دارای رنگ سفید می باشد، رشک گفته می شود. اندازه تخم های شپش در حدود ۰/۸ در ۰/۳ میلیمتر می باشد که شبیه به دانه های شن هستند. تخم ها با کمک ترشح شپش های ماده به رشته های مو می چسبند. بزاق شپش دارای مواد ضد انعقادی می باشد که جلوی لخته شدن خون را می گیرد و باعث ایجاد خارش شدیدی می شود، شپش تن

قائم مقام معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی یزد، دکتر "مسعود شریفی" چندی پیش در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری ایسنا، شیوع شپش در مدارس منطقه یزد را تایید کرد و اظهار نمود که شپش سر نسبت به سال های گذشته در موارد بیشتری گزارش شده. وی، بدون اشاره به آمار ابتلا به این بیماری و نقاط در معرض بیشتر ابتلا به این بیماری، گفت: بروز این بیماری خیلی با نواحی خاص مرتبط نیست و در همه مناطق شهر افزایش آن احساس می شود، به عبارتی هم در مناطق برخوردار از نظر اقتصادی و اجتماعی و هم در مناطقی که در حاشیه قرار گرفته یا از وضعیت اقتصادی پایین تری برخوردار هستند، این افزایش ابتلا را شاهد هستیم. وی، کانون این بیماری را به دلیل ارتباط نزدیک دانش آموزان در مدارس دانست و گفت: به همین علت هم اولین کانون های بیماری غالباً در مدارس کشف می شود و پیک و عود بیماری نیز معمولاً همزمان با شروع مدارس است. خوشبختانه مربیان مدارس آموزش و پرورش در این رابطه از آگاهی لازم برخوردار هستند و دانش آموزان را غربال می کنند.

شپش (پدیکلوزیس)

شپش ها انگل خارجی و یک راسه از حشرات هستند. این حشره کوچک و بدون بال است و توانایی پرواز ندارد. از شپش ها به عنوان یک معضل بزرگ برای بشر از گذشته های دور یاد می شود. شپش های سر در موهای افراد و نزدیک به جمجمه زندگی می کنند. شقیقه ها و گردن بهترین محل ها برای زندگی شپش ها است.

مصاحبه با یک معلم نمونه و موفق یزدی

۱- در ابتدا خود را معرفی کنید و از تجربیات و رزومه کاری خود، بگویید.

بسم الله الرحمن الرحيم / اللهم ادخلني مدخل صدق و اخرجني مخرج صدق و اجعل لي من لدنك سلطانا نصيرا.

• با عرض سلام، محمد حسین کاوه یزدی هستم، با بیش از سی سال سابقه فعالیت در آموزش و پرورش در مقاطع مختلف تحصیلی. مهر ماه سال ۶۳ به صورت رسمی وارد آموزش و پرورش شده و تا کنون مشغول خدمتم؛ البته در این مدت در پست‌های مختلفی فعالیت داشته‌ام و همه این موفقیت‌ها را مدیون عنایات الهی، خانواده خود و اساتید بزرگوار و همکاران ارجمندی هستم که در عرصه‌های مختلف با ایشان همکار بوده‌ام.

۲- به نظر شما مؤلفه‌های یک معلم نمونه چیست؟ (از نظر اخلاقی، شیوه‌های تدریس، کلاس‌داری و ...)

• معلمی را می‌توان ترکیبی از چهار عنصر دانست که در وجوه یک هرم می‌گنجند. این عناصر عبارتند از: فنون و مهارت‌های معلمی شامل فن بیان (آیین سخنوری، قصه‌گویی)، مهارت اداره دیگران، هنر معلمی شامل طراحی و نقاشی و خوشنویسی، نمایش و بازیگری/دانش علمی در رشته مورد نظر و نگرش مثبت و تعهد نسبت به شغل و حرفه مورد نظر و برخورداری از اخلاق معلمی شامل ساده‌زیستی و قناعت، صداقت، امانت‌داری و تعهد و مسئولیت‌پذیری و دین‌باوری.

۳- اگر قرار بود شما برنامه درسی دانشجو معلمان را تدوین کنید، یادگیری چه مهارت‌هایی را ضروری می‌دانستید؟

به نظر من مهم‌ترین مهارت برای یک معلم مهارت جذب مخاطب (دانش آموز) و برقراری ارتباط مناسب با اوست، چون اگر این‌گونه باشد می‌تواند بر او تاثیر گذاشته و دانش و مهارت و نگرش‌های ضروری را به او منتقل نماید و در غیر این صورت تلاش وی بی‌نتیجه خواهد بود. مهارت دوم مهارت‌های حوزه تفکر می‌باشد، نظیر تفکر نقاد و خلاق که از ضروریات حرفه معلمی است و در مرحله آخر مهارت‌های دست‌ورزی و کار با ابزار. چون واقعا یکی از خلأهای موجود در کلاس‌های درس ما عدم استفاده از ابزارهای آموزشی است و بخشی از آن به دلیل نداشتن مهارت‌های دست‌ورزی است.

۴- تا به حال شده دانش آموز خود را بعد از مدت طولانی در جایی ملاقات کنید که موقعیت و آینده‌ی خود را مدیون رفتار، تشویق و یا شیوه تدریس شما بداند، برایمان تعریف کنید.

بله. در سال‌های ۷۴ تا ۷۶ در یکی از هنرستان‌های یزد تدریس داشتم و چند دانش آموز شیطان در کلاس بودند که خیلی اذیت می‌کردند و بسیار مغرور بودند و هم‌چنین بی‌اعتنا به شرایط کلاس. روزی در کلاس این شعر را برایشان خواندم که «نردبان زندگی، ما و منی است عاقبت این نردبان بشکستی است



جرم هر آن کس که بالاتر نشست استخوانش خردتر خواهد شکست». بعد از چند روز رفتار آن‌ها تا حدی تغییر کرد. ده سال بعد روزی به مغازه‌ای مراجعه کردم. پس از خرید، جوان مغازه‌دار تعارف کرد و پولی از من نگرفت، علت را جویا شدم بیان کرد من دانش آموز ع-ن هستم و آن روز این شعر شما در روحیه من تاثیر زیادی گذاشت و من تغییر رویه دادم و الان لیسانس فیزیک گرفته و موفقیت خود را مدیون شما هستم. شعر شما مرا بیدار کرد و من بسیار از این جمله خوشحال شدم.

۵- شیرین‌ترین خاطره‌ای که در دوران تدریس و از ارتباط با دانش آموزان داشته‌اید را برایمان تعریف کنید.

در دوران معلمی خاطرات تلخ و شیرین زیادی هست. در یکی از سال‌های اول خدمت در کلاسی چند پایه تدریس داشتم. زنگ املا دانش آموزان عادت داشتند به نوبت یکی از آن‌ها روی زمین می‌نشستند تا تقلب اتفاق نیفتد. در یکی از ساعت‌های درس املا دیدم دانش آموزی که بین نیمکت‌ها روی زمین نشسته هر چند یکبار سرش را بلند کرده روی میز را نگاه می‌کند. تغافل کرده و این‌طور نشان دادم که ندیدم ولی تکرار شد و با نگاه متوجهش کردم که این کار (تقلب) کار ناپسندی است. در پایان، آن دانش آموز آمد جلو کلاس کنار میز من و گفت آقا مدیر (در روستا به معلم مدیر می‌گفتند) من تقلب نمی‌کردم. گفتم پس چه می‌کردی؟ بغض گلویش را گرفت و گفت ما سه نفر یک پاک‌کن بیشتر نداریم و یک نخ به آن بسته‌ایم و آن را هر روز یک نفرمان به نوبت گردن می‌اندازیم و امروز نوبت من بود. چون نخ آن کوتاه بود، برای این که دوستم که روی میز است بتواند استفاده کند مجبور بودم گردنم را بالا بیاورم و به میز نزدیک کنم. از این جمله، هم ناراحت شدم و هم خوشحال که بچه‌ها چه روح پاک‌ی دارند و من چه فکر می‌کردم. (از آن کودک روستایی یاد گرفتم که قبل از بررسی، قضاوت نکنم).

۶- چند کلمه یا عبارت کوتاه خدمتتان عرض می‌کنم، اولین چیزی که به ذهن شما می‌رسد بیان نمایید.

بابا آب داد: نسل قدیم کتاب‌های درسی/یادش بخیر
عاقبت معلمی: عاقبت به خیری و برخورداری از سرمایه انسانی نه مالی
دانش‌جو معلم: آینده آموزش و پرورش و فرهنگ کشور
دانش آموزان اول ابتدایی: صداقت و معصومیت
صدای خنده دانش آموزان: سرزندگی و شادابی
صحبت پایانی: بیایید قدر حرفه خود را بدانیم زیرا کاری است الهی و راه پیامبران و اولیای الهی، قدردان آن باشیم.

مصاحبه کننده: مجتبی غلامی زارچ
زهرا عبدلی

سخن آغازین

کودک که بودم؛ هنگامی که معلم، زنگ آخر پای تخته می رفت با خودم می گفتم: «دوباره شروع شد». هر روز در خانه باید دفترچه یادداشتم را نگاه می کردم و تمام کارها را انجام می دادم. گاهی تکلیف فقط رونویسی از کتاب فارسی بود و گاهی درگیر حجم انبوهی از تکلیفم بودم. چندسالی از آن زمان گذشته است و آنچه هنوز پابرجامانده، سنت تکلیف هرشب دانش آموزان است. گاهی مشاهده می کنیم که در بستر زمان نوع آن دچار تغییر و تحول شده است اما هنوز بعضی معلمان، سخت سنت را زنجیری برپای خود کرده اند و توان حرکت به

سمت نو شدن را ندارند. معلمان از دبستان تا دبیرستان فعالیت هایی را برای دانش آموزان در نظر می گیرند تا در خارج از مدرسه انجام می شود که بسته به نوع دید آن ها متفاوت است. اما همه می دانند که تکلیف شب یکی از مهم ترین ارکان یادگیری محسوب میشود. در این شماره از پرونده ویژه نشریه سعی شده است به صورت کوتاه گریزی به دنیای تکلیف شب بزنیم و شما را دعوت به همراهی می کنیم.

فاطمه آقاعسکری

تکلیف شب

اینبار متأسفانه ایران صدر نشین شد



ایران مقام اول بیشترین تکلیف شب را کسب کرد. اخبار واصله حاکی از آن است که ما توانستیم در میان پنجاه کشور جهان به همراه تایلند و یونان به دانش آموز خود تکالیف زیادی بدهیم، اما ژاپن، دانمارک و چک، در این فهرست رتبه ی خوبی نداشتند و در انتهای جدول قرار گرفتند.

این که تکلیف زیاد بوده یا کم، حتما خود دانش آموزان به این نتیجه رسیده اند، کسی جز آن ها نمی داند که چه درونشان می گذرد. دانش آموز ساعت ها می نشیند و از کتاب رونویسی می کند بدون آن که اندیشه پاکش را برای خلاقیت به پرواز درآورد. اومحضور در تکرار و تقلید، بدون هیچ زایش و خلاقیتی می شود، برای این که بتواند خود را به معلم و خانواده اش ثابت کند. او فقط می تواند بگوید که چگونه روزهای کودکی اش سپری می شود.



به این می اندیشم که اگر من ساکن ژاپن یا دانمارک بودم، در زمان دانش آموزی خود چه می کردم؟ شاید دفتر مشقم پر از جملات کودکانه می شود یا شاید هم ذره بینی به دست میان باغچه کوچکمان می گشتم. دوست داشتم دانشمند کوچکی باشم. ژاپنی ها حتما می دانند که تکلیف، فقط کتاب درسی را مطالعه کردن نیست؛



بلکه باید توانست میل به یادگیری را ایجاد کرد. ما شاید هنوز نمی دانیم با یک انسان طرف هستیم نه طوطی ای که مطالبی را از بر کند. معلم و خانواده و جامعه همه سنگی از توقعات خود را بر روی دوش کودک می گذارند بدون آن که حلقه ی اتحادی تشکیل دهند،

تا آنگاه کودک با آرامش خاطر در میان این حلقه برای آینده آماده شود، نه این که با انجام ندادن تکالیف نامناسب احساس حقارت و شکست کند و هویتش متزلزل شود.

لايه لای تمام درس ها و کتاب ها، زندگی نهفته است. به معجزه ای نیاز نیست تا این کلمات چون خون در رگ های زندگی جریان پیدا کند؛ فقط نیاز است حلقه ی معلم، خانواده و آموزش و پرورش بیدار شود. نیازی نیست ما صدرنشین باشیم، چون صدر نشینی همه جا خوب نیست...

برگرفته از مقالات:

۱. همبستگی تکلیف شب، مسئله همیشگی دانش آموزان و اولیای آنان. زهرا بازرگان
۲. بررسی نگرش دانش آموزان به تکلیف درسی و ارتباط آن با مدیریت راهبرد تکلیف. دکتر ناصر شیربگی.

ناهید وکیلی





چند پیشنهاد دوستانه ...

تکلیف یا به عبارتی ساده تر مشق شب از دوران کهن خود عبور کرده است و به سمت دنیای جدید پیش می‌رود. تکلیفی که باعث می‌شد دانش آموز بیندیشد که چگونه برای انجام ندادن آن دروغی بسازند: مریض بودم، میهمانی بودم، عزاداری رفته بودم، عروسی بودم، دفترم را گم کرده ام، مادرم نگذاشت بنویسم و... تکالیفی برای بچه ها شیرین است که در آنها هیجان کودک به کار گرفته شود و خلاقیت کودک را تحریک کند. تکلیف شب فقط نوشتن و گاهی سیاه کردن یک کاغذ نیست، گاهی یک بازی می تواند تکلیف شب باشد، گاهی دیدن محیط اطراف توسط کودک و گاهی تجربه کمک به دیگران می تواند تکلیف باشد. چند نمونه از تکالیف جالب به عنوان نمونه آورده شده است:

برای مثال وقتی درس خرس کوچولو را از کتاب فارسی دوم درس می‌دهیم از دانش آموزان بخواهیم تا مصاحبه با یک میکروب را به عنوان تکلیف انجام دهند و برای آن نقاشی بکشند که واقعاً جالب است.

یک روز از بچه ها بخواهیم تا با اشکال هندسی یک نقاشی بکشند و سپس درباره ی نقاشی خود داستان بسازند، اما به یاد داشته باشند هر کس بتواند در داستانش از کلمات درس چوپان بیش تر استفاده کند، امتیاز بالاتری می گیرد.

رونویسی از درس انجام شود با این تفاوت که کلمات با نشانه های مدنظر ما در رنگ های مختلف انجام می شود. بطور مثال:

کلمه هایی که "س" دارند سبز

کلمه هایی که "ط" دارند قرمز

کلمه هایی که "ع" دارند آبی

یک مسابقه ی طناب کشی در خانه به راه بیندازید و نیروی گروه بازنده و برنده را در مسابقه مقایسه کنید و گزارشی از مسابقه ای که برگزار کرده اید بنویسید .

یک بعد از ظهر به اعضای خانواده خود کمک کنید و تمام اتفاقاتی که در حین کمک به خانواده برایتان افتاده است برای دوستان خود بازگو کنید

باهمکاری دوست خود برای نیمکت دونفریتان یک رومیزی کاغذی تهیه کنید که خودتان آن را درست کرده اید (استفاده از مفهوم مساحت)

افسانه دهقان طزرجانی

خلاق هستم یا سنتی ...!!!

چگونه تشخیص دهیم چه تکلیفی سنتی هست یا خلاق

تکلیف سنتی:

- حفظ طوطی وار مطالب است.
- حجم انبوهی دارد که ضرورت ندارد.
- جسارت یادگیری را از بین می برد.
- به عنوان تشویق یا تنبیه استفاده می شود.
- تمرین و تکرار در آن لذتی ندارد.
- خستگی و دلزدگی به همراه دارد.
- دانش آموز در برابر آن استرس داشته باشد.
- باعث نفرت و عدم علاقه به مدرسه میشود.
- با عدم توجه به تفاوت های فردی و روحی و شخصیتی تکلیف یکسان ارائه می دهند.
- تکلیف اجباری باعث نزاع فرد با محیط خودش می شود.

تکلیف خلاق:

- شکست قالب های فکری: او باید بداند که هر ایده ای اهمیت وارزش دارد و فکر را از تجربیات گذشته رها کند.
- پذیرش تغییرات: دانش آموز باید ریسک کند و بداند در مواقعی سودمند است. اعتماد به نفس شجاعت را داشته باشد. مثلاً دوری از خانه برای اردو.
- کارگروهي: دانش آموزان باید در کنارهم فعالیت کنند تا ذهن آن ها چند بعدی رشد کند و همیاری را به آن ها یاد دهد.
- مثل نمایش درس ها، همخوانی شعر.
- توجه به دستاوردها: راه حل تمرین و پیشرفت دانش آموز مهم تر است. باید به دانش آموزان فرصت داد تا یاد بگیرند نه این که فقط نمره مهم باشد.
- تحرک های ذهنی: دانش آموز باید قدرت کشف داشته باشد و قدرت تخیلش را پرورش دهد. معلم باید تمرین هایی به او بدهد که این امر محقق شود.

برای تعیین تکلیف شب دانش آموزان نیاز به بازبینی اعتقادات و روش هاست تا دانش آموز را فردی متفکر و فعال بارآورد. حال با این توصیفات انتخاب کنید سنتی باشید یا خلاق...

برگرفته از مقاله ی دکتر مهرداد ناظری . آسیب شناسی مشق شب در ایران. تیرماه ۱۳۸۸





دانشجو معلمان در کنار معلمانی با تجربه، نظرات خود را پیرامون کیفیت و کمیت تکلیف شب ارایه داده اند که برخی از آن ها در این شماره بررسی می شود.

معلمان...

۱. زیاد نباشد که دانش آموز را از مدرسه زده کند. هدفمند باشد. با توجه به موضوع درس جدید باشد. با توجه به توانمندی دانش آموز باشد که خودش به طور مستقل انجام دهد و وابسته به خانواده نباشد. نوع تکلیف با زندگی واقعی دانش آموزان ارتباط داشته باشد، خلاقانه باشد (معلم کلاس دوم).

۲. ارائه ی تکلیف باید مدرن و امروزی باشد. با توجه به علایق دانش آموزان به وسایل و تجهیزات مدرن مانند لپ تاپ، بهتر است تکلیفشان در قالب تکالیف الکترونیکی باشد تا دانش آموزان را ترغیب به انجام تکلیف کند. تکلیف شب باید خلاقانه باشد و انگیزه را افزایش دهد. (معلم کلاس سوم).

۳. براساس درسی که داده شده و بیشتر تکلیف درس امروز باشد. بعضی وقت ها باید گریزی به درس های قبلی زده شود. توانایی دانش آموزان در تعیین میزان تکلیف آنان موثر است (معلم کلاس اول).

۴. گاهی ما معلمان مجبور هستیم از روی اجبار خانواده به دانش آموزان تکلیف دهیم. آن ها تصور می کنند اگر به دانش آموز تکلیف بیشتری بدهیم معلم بهتری هستیم. عرف جامعه این چنین است (معلم چهارم).
۵. به نظر من تکلیف امری ضروری است اما حجم آن باید کم باشد. مثلاً من هنگامی که فارسی را تدریس می کنم، هدفم از ارائه ی تکلیف چند مطلب است:

خط دانش آموز بهتر شود (با توجه به این که خط کتاب تحریری است)، تمرینی برای مرور درس، تقویت روخوانی و درست خوانی، تقویت املا و تقویت تند نویسی باشد.

۶. با شروع سال تحصیلی جدید یکی از دانش آموزان هر روز بی تابی می کرد و با وارد شدن به کلاس شروع به گریه می کرد. وقتی ریشه یابی کردم متوجه شدم که از محیط کلاس می ترسد. من بعد از مشورت با یکی از استادانم متوجه شدم که باید کاری کنم که محیط خانه و مدرسه شبیه هم باشند؛ به همین خاطر میز و صندلی ها را جمع کردم و در انتهای کلاس فرشی انداختم. بچه ها دور تا دور کلاس می نشستند و من میان آن ها بودم. در این مدت میزان استرس بچه ها خیلی کاهش یافته بود و میزان یادگیری آنان افزایش یافته بود. دیگر نیازی به تکلیف شب نبود و در این مدت اصلاً تکلیفی به آنان نمی دادم اما وقتی به خاطر فشار های بیرونی مجبور شدم دوباره به همان سبک بازگردم، که خانواده ها معترض شدند روش قبلی خیلی خوب بود و بچه ها اصلاً استرس نداشتند. اما دیگر چاره ای نداشتیم والا به آنان تکلیف می دهم که البته سعی می کنم که یک ساعت بیشتر نشود و جذاب باشد (معلم کلاس اول).

دانشجویان...

به نظر من چون معلم تلاش بچه ها را می بیند، نیازی به تکلیف همگانی نیست. حتماً باید تکلیف، کودکان را به تامل و فکر فروبرد. من سوالات و اگر را می پسندم (علیرضا دهقان).

۲. موضوعات درسی را در قالب یک مسئله یا مشکل برای دانش آموز مطرح کند و دانش آموز خودش راه حل بدهد و راهکار بیابد، بعد داخل کلاس راه حل ها را مطرح کند و جمع بندی کند (امین تیموری).

۳. من با تکلیف شب مخالفم به نظرم شاگرد باید درس را در مدرسه بگذارد و به خانه بیاید. معلم نباید دانش آموزان را مجبور کند که در اینترنت و سایر منابع به دنبال یافتن این رابطه ها باشند، خودش رابطه ها را کشف کند (مریم بهزادی).

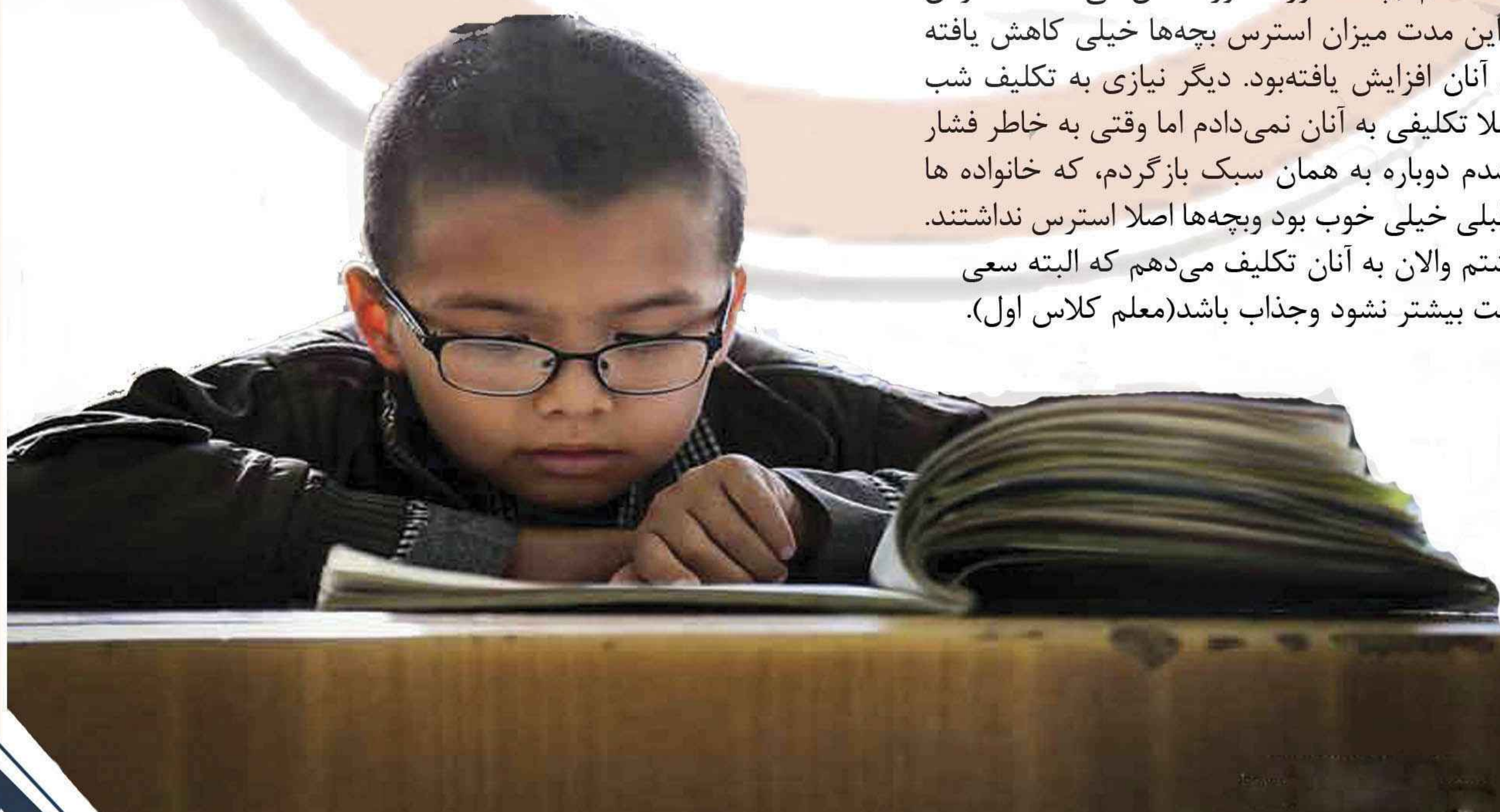
۴. به نظر من برای تعیین تکلیف شب باید به علاقه و توانایی دانش آموزان توجه شود و تکلیف به گونه ای باشد که به افزایش یادگیری و مهارت دانش آموزان کمک کند. هم اکنون تکالیف شب دانش آموزان به تفاوت های فردی توجه نمی شود (مهديه زاده عامری).

۵. در زمان ما خیلی تکالیف زیاد بود و خیلی خسته می شدیم. اما الان حس می کنم کمی تغییر پیدا کرده است اما هنوز ایده ال نیست و تا روش درست خیلی فاصله دارد اما اگر نظام آموزشی این چنین باشد، خیلی سخت است که روش های نوین پیدا شود (افسانه دهقان).

۶. به نظر من سیستم آموزش پرورش در مقطع ابتدایی باید به گونه ای باشد که بچه ها در منزل مجبور نباشند مدت زیادی روی تکلیف وقت بذارند، همین تکلیف باعث درگیری بین دانش آموز و والدین شده است و بچه ها به کارهای غیر اخلاقی دست می زنند، مثل دروغ گویی.

(مینا قانع)

۷. واقعیت این است که تکالیف شب را با توجه به نیاز و توانایی و ظرفیت دانش آموز می دهیم. تکلیف زیاد و رونویسی فقط تنبیه حساب می شود. (مجتبی غلامی زارچ)





در این شماره استاد محمود زارع دعوت‌مان را پذیرفتند و ما میزبان قلم علمی ایشان شدیم.

باسمه تعالی

تکلیف شب در مقطع ابتدائی

فرایند یاددهی و یادگیری از تعیین اهداف شروع می شود و با در نظر گرفتن عوامل زیادی از جمله ویژگیهای فراگیران (مانند تجارب قبلی، علاقه و انگیزه و...)، ویژگی های معلم (تسلط علمی، شناخت مخاطبین، توان برقراری ارتباط مناسب، به کارگیری روش های مناسب تدریس و...) امکانات و وسایل موجود و همچنین زمان در اختیار، تدریس انجام می شود. ولی پس از تدریس فعالیت هایی تحت عنوان فعالیت های تکمیلی به منظور ثبات و تعمیق یادگیری صورت می گیرد که شامل مرور درس، ارزش یابی تکوینی و «تعیین تکلیف» است. بنابراین تکلیف یکی از مراحل و فرایندهای یادگیری فراگیران است و هیچ کس منکر و مخالف آن نیست.

اما آنچه مهم و احیاناً مورد اختلاف است «میزان کمیت و کیفیت آن» است. پس باید بپذیریم که هدف تکلیف افزایش یادگیری، گسترش علاقه مندی دانش آموز نسبت به یادگیری و انتقال تجارب یادگرفته شده به موقعیت های واقعی و مورد نیاز روزمره است.



ما در این سخن بسیار کوتاه از محاسن (تکلیف سنجیده) و معایب آن (بخاطر عدم رعایت شرایط تکلیف)، نکاتی را بیان کرده و سپس توصیه هایی خواهیم داشت.

محاسن: - انجام تکلیف شب نقش موثری در تثبیت یادگیری دانش آموز دارد. - والدین از آنچه در کلاس می گذرد، آگاه می شوند.

- اوقات فراغت دانش آموز به شکل سالم پر می شود. - تعلیم آموخته ها در موقعیت های تازه و یافتن بینش های تازه و اضافی و توان به کارگیری یافته ها در موقعیت های دیگر اتفاق می افتد. - رشد فردی از قبیل پرورش احساس مسئولیت، قدرت برنامه ریزی و مدیریت توان زمان بندی، اعتماد به نفس و پشتکار حاصل می شود.

- تقویت و غنی سازی برنامه درسی به عنوان مکمل برای آنچه امکان پرداختن و تجربه مستقیم آن در کلاس میسر نیست، محقق می شود. - تکلیف شب به بچه ها یاد می دهد که از رهنمودها پیروی کنند. - مهارت های پژوهشی را به کار ببرند و تمرکز حواس داشته باشند. - تکلیف شب سبب ایجاد مهارت هایی می شود که برای چیرگی بر دشواری های زندگی ضرورت دارند.



ایرادات و آثار منفی احتمالی: - عامل اجبار که فکر و نگرش شاگرد را نسبت به مدرسه و یادگیری تغییر می دهد و باعث تنفر می شود. - تصور ناسالم از قبیل یک جا نشستن و یک کار را انجام دادن ایجاد می کند. - بیزاری از مدرسه، از دست دادن علاقه نسبت به درس، خستگی روحی ناشی از تکرارهای بی نتیجه را ایجاد می کند.

باعث محروم شدن از اوقات فراغت و فعالیتهای اجتماعی مورد علاقه می شود. - ممکن است باعث برخورد بین والدین و فرزندان، فشار والدین برای انجام دادن تکلیف شود یا توان و نیازهای یادگیری فراگیران را مورد اغماض قرار دهد.

- تکلیف شب چنانچه سنجیده نباشد، عامل شکنجه روانی دانش آموزان و بیشتر عامل ضایع کننده تمایلات و استعدادهای آنهاست.



خصوصیات تکلیف مناسب از نظر تحقیقات تربیتی:

- تکلیف باید تا آنجا که امکان دارد بامحیط زندگی یادگیرندگان مرتبط باشد تا آنان بتوانند

از تجربه های یادگیری در موقعیت های گوناگون و درس های متفاوت استفاده کنند. - «جان دیویی» می گوید: «آموزش و پرورش البته امر مهمی است ولی مهم تر از آن زندگی کردن است». بنابراین، هدف آموزش و پرورش در مرحله اول باید بهبود وضع زندگی باشد و مشق شب هم باید با زندگی کودک متناسب باشد. - تکلیف باید با رشد جسمی عاطفی و شناختی دانش آموز مرتبط باشد.

- والدین باید نظارت توأم بامحبت روی بچه ها به ویژه در انجام تکلیف داشته باشند چون ویگوتسکی هم معتقد است کمک به جا و مناسب بزرگترها باعث یادگیری فراتر از رشد شناختی کودکان می شود، که او آن را «منطقه تقریبی رشد» می نامد. ضمناً او اضافه می کند که بزرگترها بعد از راهنمایی کم کم کنار رفته تا آنها به صورت مستقل مشکلات خود را حل کنند (نظریه داربست ذهنی). همچنین باید به آنها آموخت که صرف نظر از حضور یا عدم حضور والدین تکالیف خود را با برنامه ریزی انجام دهند.

- معلمان ابتدایی لازم است با شناخت فراگیران خود و رعایت تفاوت های فردی آنان و همچنین ویژگی موضوع درس مورد نظر، به ارائه انواع مختلف تکلیف (شامل تکالیف تمرینی، مرور درس جدید، بسطی، خلاقیتی، عملی، پروژه ای و پژوهشی) اقدام نمایند.

منابع:

- سیف، علی اکبر. روان شناسی پرورشی
- شعبانی، حسن. روش های تدریس
- هرگنهان و السون. نظریه های یادگیری
- تجربیات نگارنده



سردبیر: فاطمه آقا عسکری



مصاحبه با خانم «زهره صادقیان»، آموزگار پایه اول ابتدایی دبستان دخترانه هادی

تمام فعالیت های ما در کلاس درس به صورت کنفرانس انجام می گرفت، و دانش آموزان در منزل تکالیف زیادی برای انجام دادن نداشتند. موضوعات درسی به صورت بحث و گفتگو میان بچه ها صورت می گرفت. و بدین صورت که؛ یک موضوع را انتخاب کرده و آن را به چالش می کشانیدیم. کلاس ما تقریباً شبیه به دانشگاه، و بچه ها همانند دانشجویان کوچک شده بودند.

در ابتدا تصور می کردم دانش آموزان نتوانند این خواسته ی من را عملی کنند، ولی؛ آن ها در بحث ها و کنفرانس ها چنان حرف های منطقی و معقولی می زدند که واقعا لذت می بردم. بر خلاف تصور برخی مدیریت چنین کلاسی به مراتب آسان تر از کلاس های معمولی است، که آن هم به دلیل علاقه ی دانش آموزان، مشارکت فعال آن ها در جریان تدریس و نشاط ایجاد شده می باشد. در این طرح، یکی از فعالیت هایی که ما انجام می دادیم، این بود که بچه ها به صورت گروهی و به نوبت با هماهنگی داستانی را می خواندند، و از آنجایی که هنوز سواد کافی نداشتند؛ بخش هایی از داستان را نقاشی می کردند، و این امر باعث پیشرفت دانش آموزان در زمینه ی قصه گوئی، نقاشی و ایجاد انگیزه برای یادگیری بیشتر الفبا و سواد آموزی می شد. دانش آموزان من واقعا در کلاس شاد بودند و من از این موضوع خوشحال بودم. ولی پس از مدتی تعدادی از والدین براساس تصورات قدیم-که معتقد بودند بچه ها باید در خانه خیلی تکلیف بنویسند-جریان کار را به چالش کشاندند. با احترام به نظرات آنها؛ و با وجود اینکه اکثر دانش آموزان به این طرح عادت کرده بودند و علاقه داشتند کلاس را به حالت قبل برگردانیدیم. همه می گویند محیط مدرسه و خانه باید متفاوت باشد، ولی من نمی خواستم هیچ تفاوتی بین آن باشد، تا دانش آموزان فکر نکنند وارد یک محیط متفاوت می شوند. این موضوع موجب استرس آن ها می شود. بچه های ابتدایی همیشه باید روحیه ای شاد داشته باشند، و احساس آرامش کنند. آن موقع است که می توانند آموزش ها را به خوبی فراگیرند.

از نظر من، معلّمی یعنی اینکه؛ یک نفر واقعاً عاشق حرفه ی خود باشد. من به معلّمی به عنوان یک شغل نگاه نمی کنم، معلّمی برام عشقه. این قدر معلّمی رو دوست دارم؛ که وقتی میام مدرسه باوجود خستگی، انگار دارم زندگی می کنم. در تمامی ساعاتی که در مدرسه هستم، با بچه ها زندگی میکنم. زمانیکه این حس رو داشته باشی؛ همیشه در این فکر هستی؛ که آموزش هایت بهترین باشد، و دانش آموزان شاد باشند، و احساس آرامش کنند. من روز های اول سال که به کلاس درس آمدم، یک دانش آموز داشتم که به شدت از میز و صندلی هراس داشت. وقتی درب کلاس بسته می شد، استرس وجود او را فرامی گرفت و گریه می کرد. واقعا اوضاع بدی داشتیم. در دانشگاه از یکی از اساتیدم ایده گرفتیم، و تصمیم گرفتیم تمام میز و صندلی های کلاس را جمع کنیم؛ تا به جای آن در فرش پهن شود. این طرح گرچه نظم ظاهری را به هم ریخت اما؛ میزان قابل توجهی از استرس بچه هام کاهش یافت. شکل ظاهری کلاس به این صورت بود که در آن فرش پهن کردیم، و دور تا دور آن را پُشتی گذاشتیم. همیشه بچه ها دور تا دور می نشستند، و خود من هم در وسط کلاس در میان بچه ها-می نشستم. اسم کلاسما را «باغ شبنم» گذاشته بودیم، بطوری که؛ هر کس وارد کلاس می شد بچه ها می گفتند: «به باغ شبنم خوش آمدید».





معلم موفق

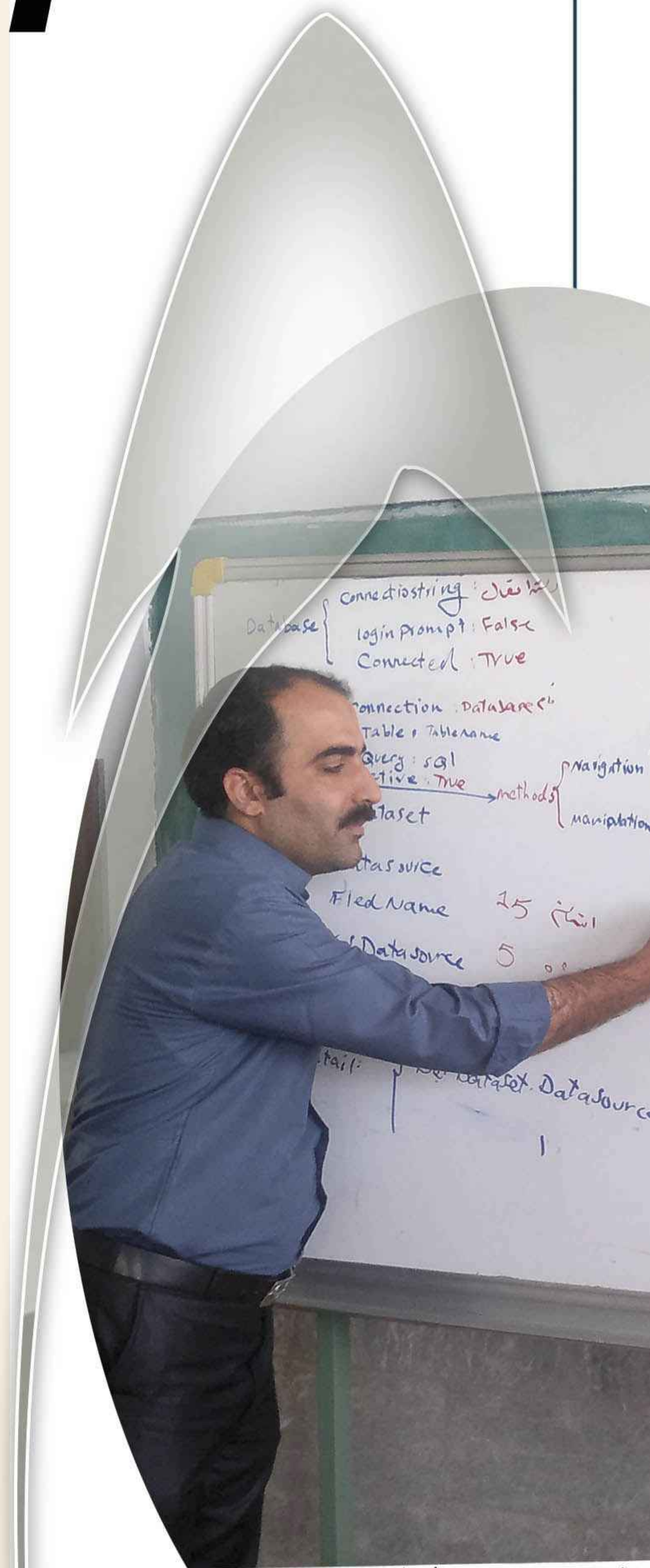
خانه برای خود برای جدایی از مشکلات می دانند و باید در مدرسه و کلاس بهشان خوش بگذرد تا دوباره سرکلاس بیایند اگر به دفتر کلاستان توجه کنید همیشه چند نفر غایب بودند چون توانایی تحمل کلاس را نداشتند و نمی توانستند سرکلاس هشت ساعت ساکت بنشینند.

یکی از خصوصیات و ویژگی های یک معلم موفق، داشتن اطلاعات عمومی بالا و به روز می باشد. لازمه این کار داشتن تحصیلات وسیع و جامع است که بخشی از آن از طریق تحصیل رسمی در مراکز آموزش عالی به دست می آید، لکن بخش اعظم آن از عشق و علاقه به مطالعه کتاب، روزنامه، رسانه های دیداری و شنیداری از جمله سایت های اینترنتی حاصل می شود. متأسفانه، معلمانی که معلومات سطحی و پایینی دارند، معمولاً خود را زندانی نوشته های کتاب درسی می یابند و توانایی بیرون آمدن از آن را ندارند. یک معلم همیشه باید در تمام حوزه های مختلف از جمله مسائل دینی و عقیدتی، مهارت های زندگی، علوم طبیعی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادب و هنر و غیره اطلاعات اجمالی داشته باشد. یک معلم موفق باید در فراگیری حوزه تخصصی خود به مانند دریاچه ای با عمق زیاد و در دیگر زمینه های علمی، اقیانوسی با عمق کم باشد. همکاران جوان و عزیزم، این نکته را مد نظر داشته باشید که دانش آموز امروزی، در عصر اطلاعات و ارتباطات از لحاظ اطلاعات عمومی، دریافت های اجتماعی و سیاسی جلوتر از معلم خود حرکت می کند. دنوشته ی دیگری را از نظر می گذرانیم.

دنوشته دانش آموز: ضمن عرض سلام و خسته نباشید. در این دوسالی که با شما کلاس داشتیم کلاسها، نسبتاً خوب و پرمحتوا بود. چیزهای جدیدتری یاد گرفتیم. کلاس شما بر خلاف کلاسهای دیگر خسته کننده نبود و اینکه اطلاعات عمومی شما نسبت به سایر معلم ها بالاتر بود و هر روز چیزهایی را به ما می گفتید که میشه گفت یکی از اصول زندگی جدید و نو بودند.

سلام همکاران عزیزم، معلمی که بدون توجه به تفاوت های فردی، فرهنگی و... دانش آموزان برایشان تکلیف تعیین می کند و از همه انتظارات یکسان دارد، معلم موفق نیست. چنین معلمی دیر یا زود در امر تعلیم با مشکل روبه رو می شود. زیرا تعدادی از دانش آموزان نمی توانند انتظارات او را برآورده کنند. دانش آموزان یک کلاس فقط از نظر پایه تحصیلی با هم یکی هستند و در بقیه موارد مثل بهره هوشی، استعدادها، توانمندی ها، سطح درآمد خانواده، سطح سواد، فرهنگ و ارزش های مورد قبول خانواده با هم متفاوتند. در زیر دنوشته یک دانش آموز هنرستان کاردانشی می بینید که نکات خوبی را از این متن می توانیم استخراج کنیم.

دنوشته دانش آموز: سلام، آقای لاله زاری سال خوبی با شما داشتیم ولی تنها مشکلی که در کلاس های شما وجود داشت طولانی بودن کلاس ها بود و شما از ما توقع داشتید که هشت ساعت سرکلاس ساکت بنشینیم، حرف نزنیم فقط تمرین انجام بدیم و از جایمان تکان نخوریم ولی اول سال کلاستان خیلی بهتر بود. ما دانش آموزان کاردانش اگر هشت ساعت سرکلاس درس گوش می دادیم الان همه داشتیم در دبیرستان رشته ریاضی فیزیک می خواندیم پس شما باید موقعیت دانش آموزان را تشخیص دهید و بدانید که رفتار با دانش آموزانی که در هنرستان ما هستند بسیار با دانش آموزان مدارس دیگر تفاوت دارد. در کلاس ما فقط چهار دانش آموز از بیست دانش آموز در خانواده مشکل ندارند بقیه از دانش آموزانی هستند که پدر یا مادرشان از هم جدا شدند یا دخانیات مصرف می کنند و مدرسه و کلاس را یک



ضمیمه: بر من سلام رحمته خداوند
در این ۲ سال که با شما کلاس داشتیم کلاسها نسبتاً خوب و پرمحتوا بود
چیزهای جدیدتری یاد گرفتیم. کلاس شما بر خلاف کلاسهای دیگر
خسته کننده نبود و اینکه اطلاعات عمومی شما نسبت به سایر معلم ها بالاتر
بود و هر روز چیزهایی را به ما می گفتید که میشه گفت یکی از اصول زندگی
جدید و نو بودند.
۹۰/۵/۲



تدریس سنتی در مدرسه هوشمند

دوره های زمانی مشخص مرور می شود و مورد بازبینی قرار می گیرد. محتوای آموزشی تولید شده در مدارس هوشمند می تواند از طریق پورتال های الکتریکی با مدارس دیگر نیز به اشتراک گذاشته شود و معلمان مدارس مختلف، دانش خود را با دیگران به اشتراک بگذارند.

بدین روی یکی از جنبه های مدرسه هوشمند را می توان استفاده از فناوری های نوین به صورت گسترده برای تسهیل فرایند یادگیری و یاددهی دانش آموزان عنوان نمود.

بخشی از محتوای آموزشی مورد نیاز در مدارس هوشمند می تواند توسط معلمان مدارس تولید شود و مورد استفاده قرار گیرد. از آنجا که معلمان با سناریوی مورد نظر خود برای ارائه مفاهیم درسی آشنایی بیشتری دارند، محتوای تولید شده توسط آنها می تواند به نحو موثرتری مورد استفاده قرار گیرد. بخاطر همین ماسعی داریم در شماره های آینده این نشریه همراه با شما معلمان و دانشجومعلمان عزیز تولید محتوای آموزشی را از صفر تا صد یاد بگیریم. ممنون از همراهی شما، منتظر ما در شماره های بعدی باشید...

یک مدیر یا سازمان دهنده، خود را موظف می داند که علاوه بر خود دانش آموزان و مطالب درسی به سایر عوامل موثر در موفقیت تدریس و یادگیری نیز بپردازد. از معلم امروز، در همه مراحل آموزشی، نباید انتظار داشت که همچون گذشتگان به حصیر و تشکچه پناه ببرد و تنها حرف زدن و متکلم وحده شدن را وسیله آموزش بداند بلکه او ناگزیر است از آخرین یا جدیدترین فرآورده های آموزشی و تکنولوژی آموزشی استفاده کند.

در مدارس هوشمند، معلمان برای تدریس مطالب درسی و افزایش میزان درک دانش آموزان از مطالب ارائه شده و تشویق ایشان به فراگیری دروس از اسلایدهای آموزشی، نرم افزار های آموزشی، بازی های رایانه ای، انیمیشن و دیگر محتوای چند رسانه ای در کلاس های درس بهره می برند. در کنار این سیستم ها معلمان می توانند از نرم افزارهای آموزش الکترونیک نیز بهره گیری نمایند و محتوای چند رسانه ای ایجاد شده را بر روی بستر اینترنت برای استفاده دانش آموزان در محیط خارج از مدرسه نیز فراهم کنند. تولید محتوای چند رسانه ای در مدارس به کمک معلمان و دانش آموزان صورت می پذیرد و در

همراهان نشریه فرهنگیان یزد، سلام!! طبق قرار قبلی به ادامه بحثی که در شماره قبل شروع کردیم می پردازیم، پیش از هر چیز توصیه می کنم برای کاربردی شدن مطالب نوشته شده توسط من و خواننده شده توسط شما همه اونا رو دنبال کنید.

معلمان در گذشته تنها به دانش آموزان و درس توجه داشتند و به آن دو می پرداختند. مطالعه تاریخ آموزش و پرورش و کتاب های تربیتی نشان می دهد که غالباً به معلمان توصیه می شد دانش آموز خود را دوست بدار و البته بدون اشاره به ضرورت شناخت، روش شناختن ماهیت و روش دوست داشتن دانش آموزان، معلومات خود را زیاد کن. منظور از معلومات زیاد یا باسواد بودن عمدتاً این بود که معلم، حاضر جواب باشد و به همه پرسش ها فوری پاسخ دهد و از حفظ تدریس کند.

لیکن معلم امروز، خود را ناگزیر می بیند که به همان اندازه دانش آموز و درس، به خودش و موقعیت آموزشی و یادگیری یا شرایط موثر در آموزش و یادگیری نیز بپردازد و چگونگی آنها را از جمله عوامل تعیین کننده موفقیت در تدریس و یادگیری تلقی کند. به بیان دیگر، معلم معاصر، به عنوان

جامعه اکسل ایرانیان
اولین و بزرگترین سایتی است که به صورت تخصصی دوره آموزشی برنامه اکسل و ویژوال بیسیک را به صورت حضوری و غیر حضوری برگزار می کند.

www.exceliran.com

استفاده از رسانه های آموزشی یکی از ملزومات معلم حرفه ای در شیوه های نوین تدریس می باشد.

شبکه ملی مدارس (roshd.ir) امکان دسترسی به کلیپ های آموزشی تمام دروس مقاطع ابتدایی و متوسطه را برای معلمان فراهم کرده است.

www.Media.roshd.ir

استفاده از پاورپوینت در تدریس و ارائه کنفرانس، موجب بالارفتن کیفیت آموزش و بهره وری از زمان است.

این سایت مرجع انواع پاورپوینت های آموزشی در زمینه های مختلف علمی، آموزشی، ورزشی و ... امکان تهیه و استفاده از این رسانه آموزشی را آسان نموده است.

محمد صادق کریمی میمونه

www.pptfa.com

www.parsbook.org
معرفی سایت

در این سایت میتوانید کتابهای الکترونیکی در همه ی زمینه ها از جمله روانشناسی داستان رمان کتابهای علمی و را دانلود کنید.

www.parsbook.org

در این سایت نکات آموزشی در رابطه با کتب دبستان ویژه معلمان و همچنین مطالب آموزشی فراتر از کلاس برای دانش آموزان وجود دارد که رایگان آنها را دانلود و از آن استفاده کرد.

www.Moralschool.mihanblog.com

در این سایت دانستنی های مفید برای معلمان ابتدایی در همه ی دروس وجود دارد همچنین نرم افزار کتاب مقاله آموزشی نیز قرار داده شده است.

www.Khodnevis.blog.ir

سیدعلیرضا هاشمی مجومرد



تحلیل نقاشی کودکان براساس فاصله بین اشخاص، خطوط، فضا و کادر

نقاشی زبان کودکان است. نقاشی به ما کمک می کند تا به دنیای درونی و روح کودک پی ببریم و بدانیم چه نیازهایی دارد؟ یک نقاشی ساده می تواند نگاهی اجمالی به نقش او در خانواده و روابطش با دیگر اعضای خانواده و البته اعتماد به نفس او باشد. این نقاشی همچنین می تواند میزان استحکام او و خانواده را نشان دهد که بسیار مهم است. نقاشی کودکان می تواند نوع رفتارهای اعضای خانواده را با یکدیگر مشخص کند؛ اما این هشدار را در نظر داشته باشید که اگر می خواهید معنای پنهان شده در نقاشی را بیابید، نباید آنها را بیش از حد تفسیر کنید. نباید هر خطی که کودک می کشد را بخوانید، بهتر است نقاشی بچه ها را فرصتی برای صحبت کردن با فرزندتان تلقی کنید و درباره آنچه کشیده با او حرف بزنید. سپس سؤالاتی از او پرسید و به این ترتیب، ارتباط خود را با فرزندتان بیشتر کنید. مراقب باشید بیش از حد بر او تاثیر نگذارید. مثلاً بگویید: «درباره نقاشیت برام تعریف کن. این آدم کین توی نقاشیت. چیکار دارن میکنن؟ چرا مامانو این شکلی کشیدی؟» اکنون، برخی از نقاشی های معمول کودکان را تحلیل می کنیم. توجه داشته باشید که هرگز، موضوع نقاشی کودک خود را تعیین نکنید؛ بالای سر او ننشینید و به او مدادرنگی به میل خودتان ندهید. او در نقاشی کردن باید آزادی کامل داشته باشد. در پایان نقاشی از کودک بخواهید که در مورد نقاشی هایش برای شما حرف بزند. کودکان را به کشیدن تشویق کنید؛ اما آنها را مجبور نکنید که همین الان برای شما نقاشی بکشند.

فاصله ی بین اشخاص نقاشی

اعضای یک خانواده ی منسجم در نقاشی کودکان همیشه دست در دست هم نشان داده می شوند. نزدیک شدن دو یا چندین شخصیت، نشانگر دوستی و الفت واقعی آنان با یکدیگر است؛ ولی اگر کودکی فکر کند که خواهرش بیشتر از او مورد توجه پدر و مادر است، خواهرش را بین پدر و مادر و خود را دورتر از آنان نقاشی می کند. اگر یک کودک، نسبت به برادر کوچکش، احساس حسادت کند و از اینکه برادرش جای او را در گستره ی عواطف پدر و مادرش بگیرد وحشت داشته باشد، ممکن است در نقاشی خود، او را حذف یا آن که بزرگ تر و خود را کوچک تر ترسیم کند.

خطوط

- خطوط نازک و هماهنگ در نقاشی کودک، نشان دهنده ی سازگاری کودک است.
- خطوط کوچک و فشرده، نشانه ی ناراحتی درونی کودک است.
- خطوط مارپیچ، نشانه ی پرخاشگری در کودک است.
- خطوط نازک و ملایم، احساسات عاطفی کودک را می رساند.
- خطوط کوتاه، خجالتی بودن و خطوط کمرنگ، کمبود جوش و خروش را می رساند.

فضا

۱. اعتماد به نفس کمتر

۲. اعتماد به نفس بیشتر

۳. اعتماد به نفس کمتر + اضطراب

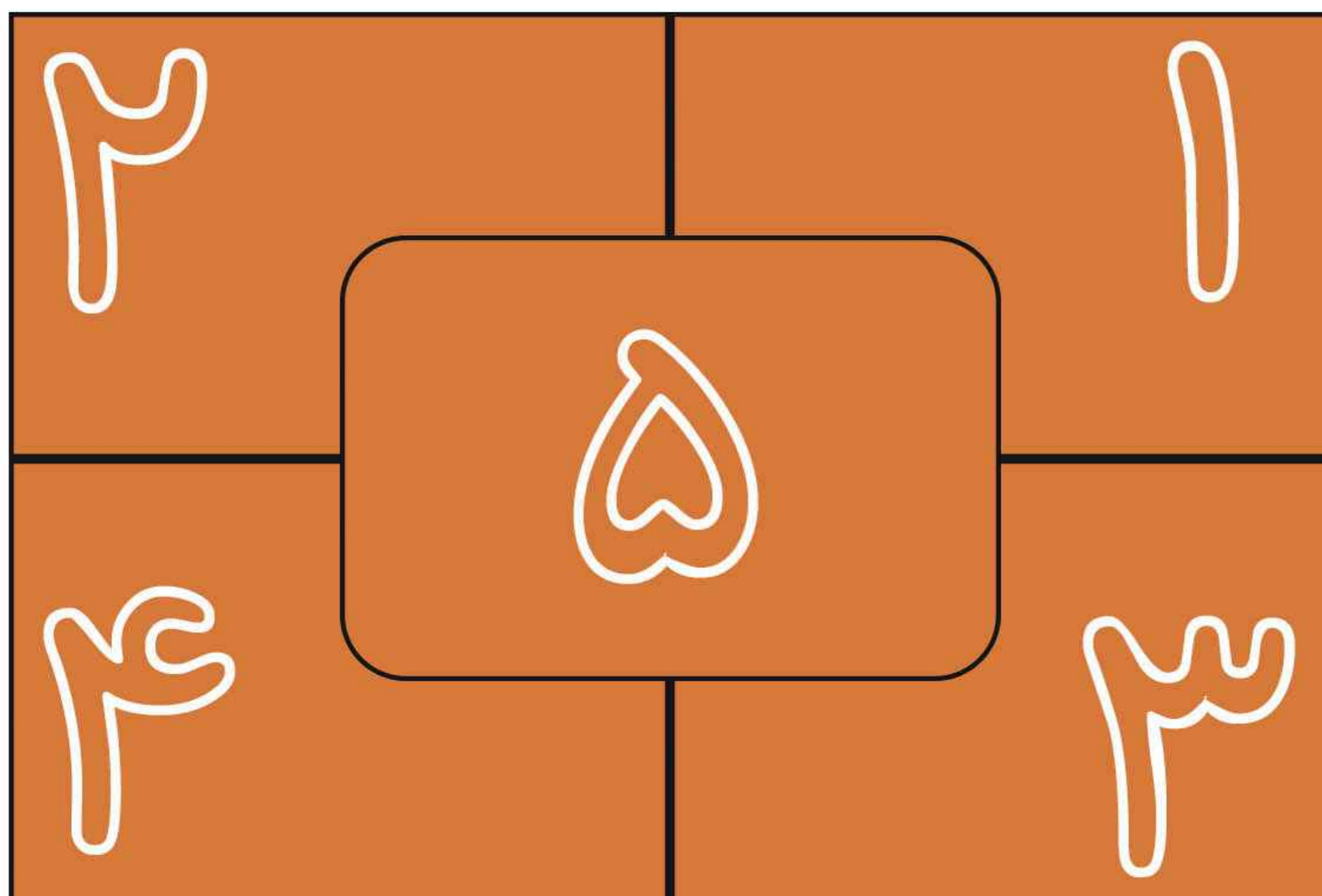
۴. اعتماد به نفس = خلاقیت

۵. نقطه ی طلایی: دارای مدیریت قوی هستند و در آینده رهبران خوبی خواهند شد.

کادر

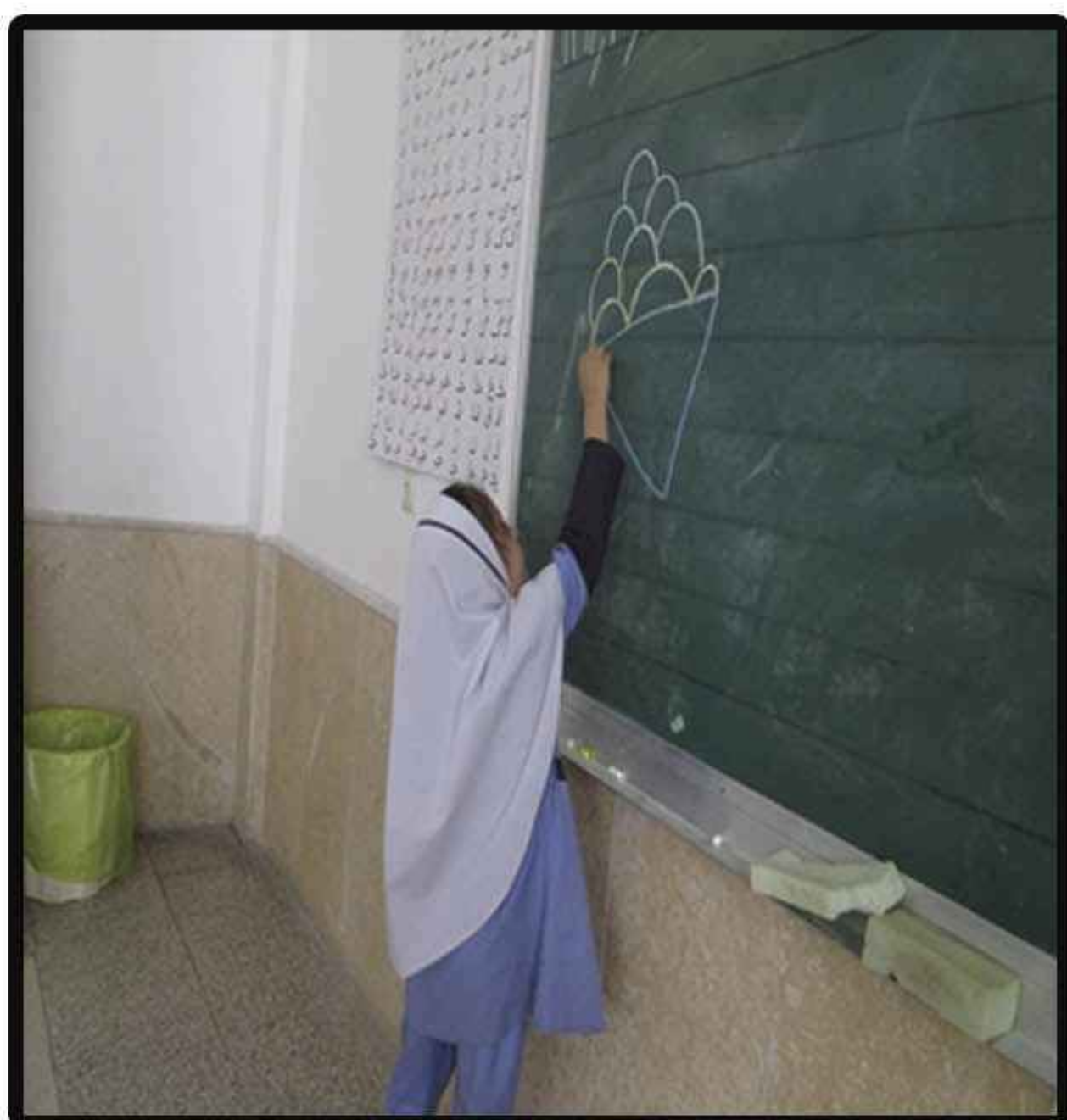
افقی: نشان از روحیه آرامش طلبی داشته و فردی منزوی و تخیل گرا است. فردی که کادر افقی را انتخاب می کند، برای برعهده گرفتن رهبری گروه مناسب است.

عمودی: بیانگر استبداد فردی در رفتار و خردبینی در زندگی فردی است.



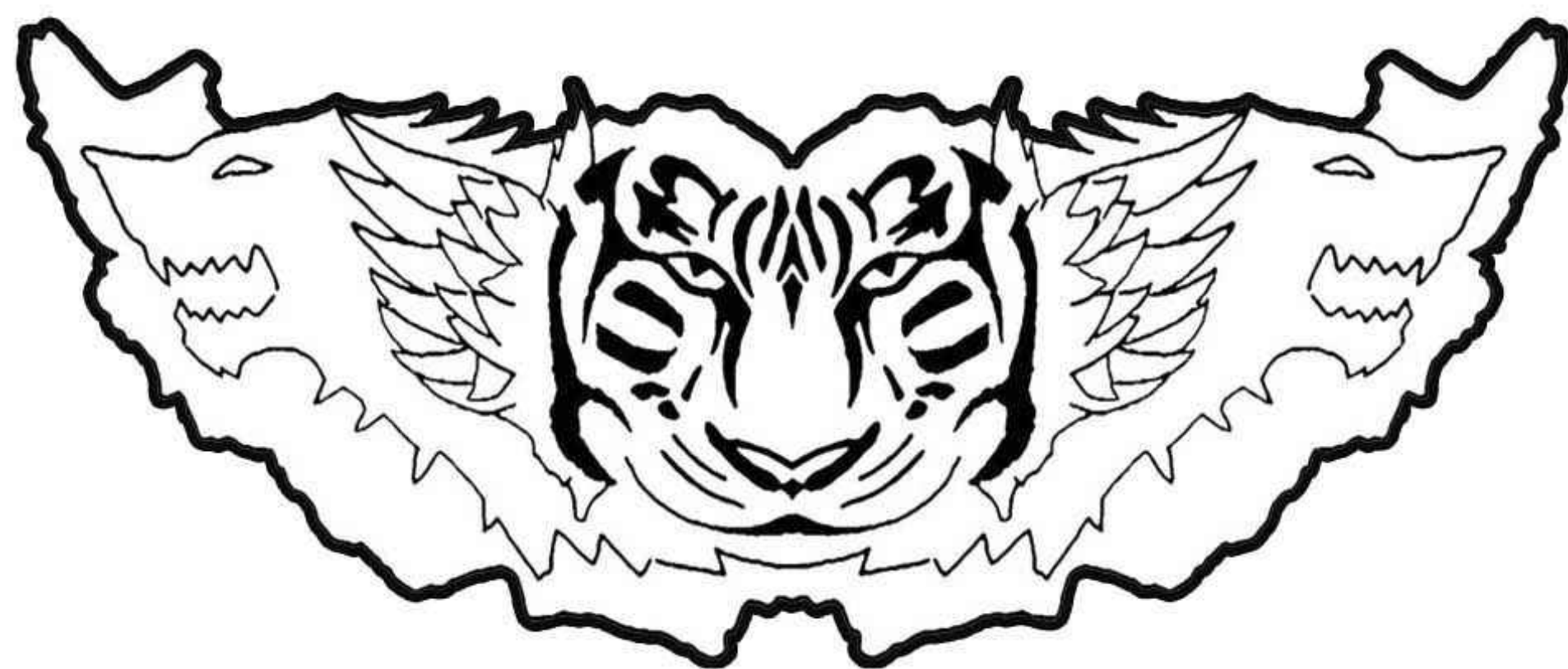


خلاقیت در نقاشی با اعداد



هانیه السادات قریشی نسب

طرحی قرینه از ایران و حیوانات ایرانی چون یوزپلنگ و بال عقاب و گرگ



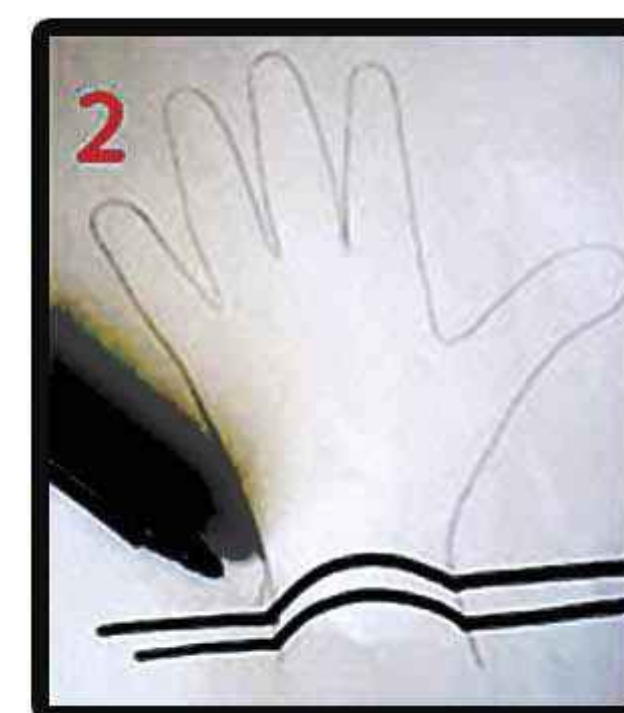
علی خیاطیون یزدی

نقاشی طرح برجسته با کف دست

الف- دست خود را روی برگه گذاشته و دور گیری کنید.



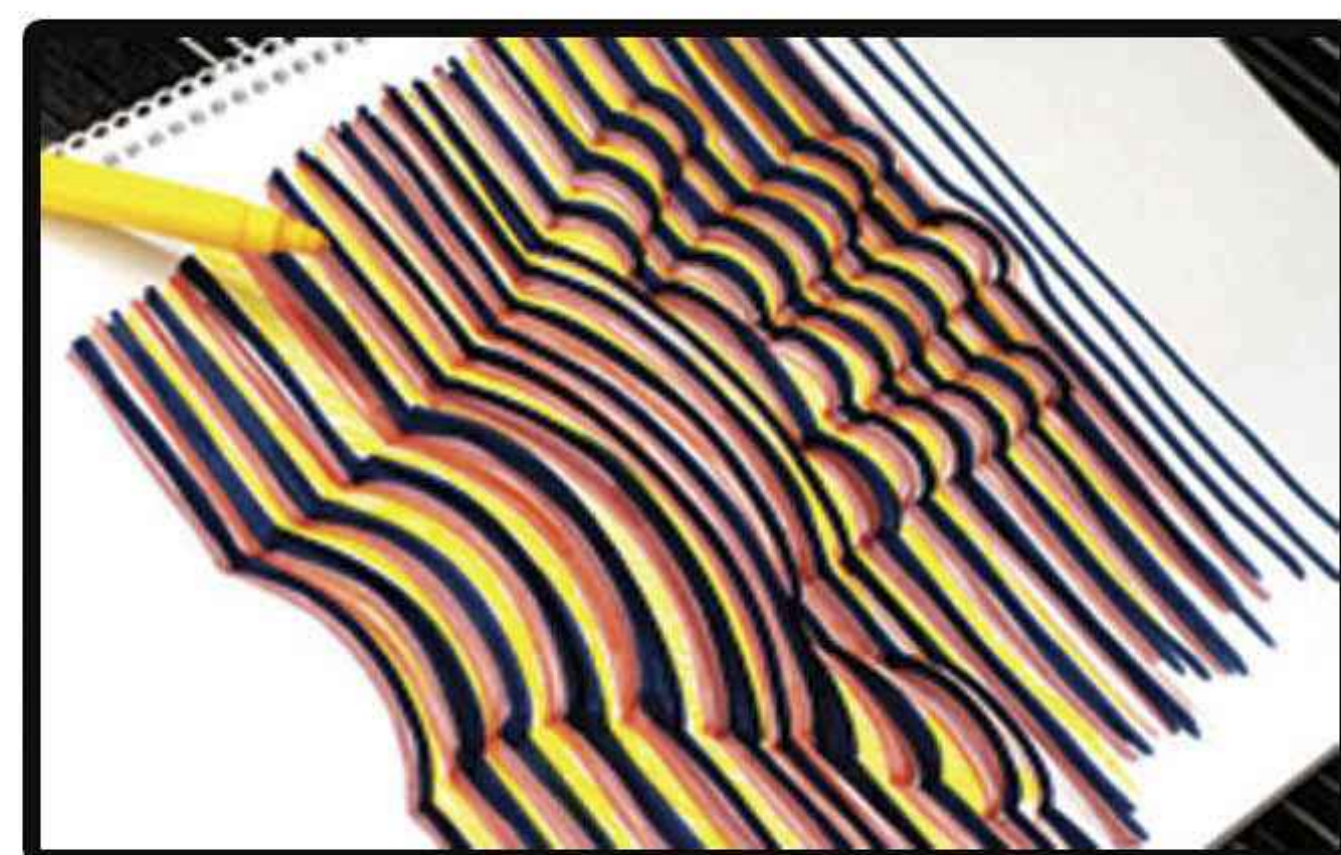
ب- بارسم خط های موازی به کمک ماژیک و ایجاد خط های منحنی یا کمائی در روی طرح رسم شده کار را دنبال کنید.



ج- اگر قانون خط های کمائی را تا پایان کار و با ظرافت انجام دهید کار زیباتر خواهد شد. کار را کامل کنید.



د- از ماژیک های رنگی دیگر هم استفاده کنید. و در آخر



امین تیموری



با دانش آموزان بیش فعال چگونه برخورد کنیم؟

بدانند که آنها کودکانی خوب و با انرژی زیاد هستند، اما مشکلاتی دارند که باید حل شود.

- نحوه درس خواندن و مرور کردن و همچنین روش های مطالعه و یادگیری را به آنها آموزش دهید.

- آنها نمی توانند زمان زیادی به صحبت گوش دهند؛ لذا سخنرانی، بی اثر و مشکل ساز می شود. بنابراین بهتر است تا کارهای عملی را از آنها بخواهید.

- از ایجاد رقابت بین آنها و سایر همکلاسی ها و همچنین از مقایسه آنها با بچه های دیگر خودداری کنید. (حتی اگر در این مقایسه آنها برتری نشان دهند).

- این کودکان خیلی سریع به سوالات پاسخ می دهند؛ بنابراین باید آنها را عادت داد تا اگر جواب پرسشی را به خوبی هم می دانند به مدت نیم تا یک دقیقه صبر کنند و بعد جواب دهند.

لازم به یادآوری است که این گونه کودکان با کودکان معمولی تفاوت دارند و نباید انتظار داشت که پس از تغییر رفتار، مشابه کودکان معمولی باشند، بلکه انتظار می رود رفتارشان تا حد قابل توجهی تحت کنترل درآید.

ایجاد می کند.

با توجه به امکان حضور چنین کودکانی در کلاس درس، لازم است که معلمان با چگونگی نحوه برخورد با این دسته از کودکان آشنا شوند. تکنیک های زیر که توسط اسمیت مطرح شده، می تواند در این زمینه مفید باشد:

- از کودک بخواهیم تا آنچه را که آموخته است به دیگری یاد دهد. اگر سایر کودکان حاضر به همکاری با او نباشند بهتر است کودک، نقش معلم را برعهده بگیرد و معلم، نقش کودک را ایفا کند.

- پیش بینی راهی برای تخلیه انرژی اضافی کودک، مثل شرکت دادن آنها در بازی هایی که انرژی زیادی می طلبد مانند: فوتبال، دویدن، پیاده روی، شنا و ...

- در حین آموزش از بیان مطالب حاشیه ای و غیر مرتبط خودداری کنید؛ زیرا ذهن آنها را به خود مشغول خواهد کرد.

- با سوق دادن کودکان به کارهایی مثل: نقاشی، خطاطی و امثال آن، زمان آرام گرفتن و تمرکز آنها را افزایش دهید. تمام تمرینات مربوط به تمرکز برای آنها مفید است.

- از سرزنش کردن و برچسب زدن به این گونه کودکان بپرهیزید، زیرا همه باید

اختلال کاستی توجه (بیش فعالی) نوعی اختلال شایع است که حدود ۸ تا ۱۰ درصد کودکان را مبتلا می کند.

از بارزترین ویژگی های کودکان مبتلا به این نوع اختلال، بی توجهی، تکانشگری و فعالیت حرکتی بیش از حد است که به مشکلات تحصیلی و اجتماعی منجر می شود. ویژگی های اولیه بیش فعالی از سال های اولیه رشد یعنی قبل از ورود به مدرسه شروع شده و در دوران مدرسه مشکلات بیشتری می آفریند؛ زیرا کودک تمرکز کافی برای گوش دادن به درس را ندارد و مدام برای بیرون رفتن از کلاس اجازه می خواهد. این گونه کودکان نمی توانند آرام روی صندلی بنشینند و پیوسته با دوستان خود در کلاس، حرف می زنند و این موضوع باعث می شود که از لحاظ تحصیلی با مشکل مواجه شوند.

متأسفانه اغلب والدین و برخی از آموزگاران برای کنترل رفتار و پیشرفت تحصیلی کودکانی که تا حدی بیش فعال و کم توجه هستند به نصیحت، سرزنش، تنبیه، مقایسه و امثال آن روی می آورند. این گونه روش ها نه تنها به نتیجه نمی رسد، بلکه آثار و عوارض بدی مانند: پرخاشگری، خصومت و عدم اعتماد بنفس را در آنها

تلخیص: پریسا کارگریان، زهرا فاضل



رضایت گمشده زندگی امروز



آید؛ رضایتی که عده ای بدون رضایت از زندگی دنبال آن هستند. اگر ما انسانها فقط با برآورده کردن نیازهای فیزیولوژیک و روانی به رضایت برسیم صرفاً رضایت در زندگی را تجربه کرده ایم.

این نوع رضایت بدون توجه به رضایت نوع اول یا رضایت از زندگی بسیار بی ثبات است و دوامی ندارد. پس اگر انسان امروز در رضایت و رضایت مندی دچار سردرگمی است به دلیل این است که انسان عصر حاضر، با تمامی اسباب می خواهد صرفاً به رضایت در زندگی برسد نه رضایت از زندگی.

امید است این گفتار زمینه ای باشد برای تفکر در موضوع رضایت از زندگی جهت رسیدن به رضایت در زندگی؛ زیرا اگر معلمان در زندگی به رضایت درست فکر کنند بخشی از مشکلات دانش آموزان حل می شود؛ زیرا رفتار کودکان جلوتر از رفتار ما بزرگ ترها نیست!!!

محمد حسن گرامی
عضو پیوسته سازمان نظام روان
شناسی و مشاوره

تقسیم کرد:

۱. **رضایت از زندگی:** این نوع رضایت که دارای سطوح بالایی است و به عبارتی تمام رضایت از این رضایت سرچشمه می گیرد، این است که ما در زندگی به قول مولوی بتوانیم به این سوالات اساسی پاسخ دهیم که «از کجا آمده ام، در کجا هستم و به کجا می روم». هر انسانی که بتواند به سوالات بنیادی خود پاسخ دهد و تمامی تلاش خود را در قالب برنامه راهبردی و اجرایی به ظهور برساند خود به خود، فرد به یک احساس خود باوری و نشاط درونی خواهد رسید که این حالت را «رضایت از زندگی» می گویند.

حضرت زهرا (س) می فرمایند: «توانم گرسنه بمانم ولی نمیتوانم گرسنگی را در دیگران ببینم». رضایتی که امام حسین (ع) در ظهر عاشورا به آن اشاره نمودند رضایتی است که فرد به مرحله ای از خودشکوفایی رسیده است که صرفاً با نیازهای مادی و جسمانی به رضایت نمی رسد.

۲. **رضایت در زندگی:** این نوع رضایت باید در امتداد رضایت اول به وجود

رضایت خواهی و رضایت مندی در زندگی و از زندگی، ویژگی فراگیر تمامی انسان هاست. انسان امروز به هر دری می زند تا به رضایت برسد ولی باز می بینیم همان انسانی که با تمام جدیت به دنبال آن بوده، به نوعی با این سؤال اساسی روبرو می شود که چرا به رضایت نمی رسم؟ در گفتار هرچند کوتاه، درصدد آن هستیم نیم نگاهی به این مقوله ارزشمند در زندگی بپردازیم.

آیا تا به حال از خود سؤال کرده اید که ماهیت "رضایت" چیست؟ چگونه می توان به مفهوم واقعی آن دست یافت؟

معنی و مفهوم رضایت در ذهن هرکسی با نگاهی که به زندگی دارد، متفاوت است. برای عده ای، رضایت، رسیدن به هدفی است که از قبل مشخص کرده اند ولی عده ای دیگر رضایت را تلاش در رسیدن به فرایند زندگی می دانند؛ یعنی تلاش می کنند و آنچه در توان دارند به کار می گیرند و به هر نقطه ای از این فرایند برسند آن را رضایت می دانند. رضایت یک احساس درونی مثبت و متعالی از کل زندگی است.

رضایت را می توان به دو دسته اساسی

چگونه می توانیم بچه ها را به مطالعه علاقه مند کنیم؟

- از آنها بخواهید بعد از شنیدن داستان، آن را دوباره بازگو کنند.
- از واژه ها لذت ببرید و این لذت را به بچه ها نشان دهید.
- سعی کنید مطالعه را به صورت تفریح درآورید.



- زمان خاصی را به عنوان زمان خواندن داستان های جذاب در خانه و کلاس در نظر بگیرید.
- با صدای بلند و با لحنی دلنشین برای بچه ها کتاب بخوانید.
- به بچه ها کتاب و مجله پاداش دهید.
- بچه ها را به اشتراک مجلات کودکان تشویق کنید.
- بچه ها را تشویق کنید تا از روی یک تصویر، داستان بسازند.
- بچه ها را تشویق کنید تا دفترچه خاطرات داشته باشند.
- به آنها تکلیف زیاد ندهید و بچه ها را کتابزده نکنید.
- کارهای پژوهشی به دانش آموزان بدهید تا مجبور به مطالعه شوند.

مهديه زارع عبداللهی

آثار تربیتی خانواده بر فرزندان از نظر اجتماعی

که چون نوجوان اینک در معرض خطرات بیشتری است، باید مراقبت و کنترل را بیشتر کند.

نکته اینجاست که محور توجه این خانواده ها به جای این که به نیروهای رشد معطوف باشد، بیشتر بر نیروهای ضد رشد متمرکز است. یعنی نگران مسائلی هستند که در جهت مخالف رشد فرزندان عمل می-کند اما از این مسئله غافل هستند که اگر بستر مناسبی فراهم کنند، بشر به طور طبیعی مسیر رشد را طی خواهد کرد. تمرکز بیش از حد بر نیروهای مخالف رشد خانواده را از توجه به عوامل لازم برای رشد استعداد ها و توانایی های فرزندان باز می دارد. در نتیجه فرزندانی وابسته به خانواده، بدون اعتماد به نفس، فاقد استقلال و خلاقیت دارند؛ که استعداد ها، توانایی ها و ظرفیت های رشدی آنان پایمال شده است. این افراد دارای کنترل درونی نیستند و به جای اعتقاد به تلاش و پشتکار، به عوامل بیرونی و شانس معتقد هستند و در هنگام تجربه ی ناکامی و شکست دیگران را مقصر می دانند.

در صورتی که خانواده در این دوران به کارکردهای اساسی خود آشنایی نداشته باشد و همچنین با ویژگی های دوران نوجوانی آشنا نباشد، نخواهد توانست عملکرد تربیتی خود را به نحو احسن ایفا نماید. و چه بسا که اقدامات نادرست از سوی خانواده، فضای نامناسب موجود در خانواده و غیره، بیشتر و بیشتر نوجوان را از محیط خانواده دور ساخته و در صورتی که خانواده در گذشته نیز کارکرد تربیتی خود را به شیوه درست اعمال نکرده باشد و فرد از پختگی فکری کاملی برخوردار نباشد با گرایش به زمینه های ناسازگارانه مثل عضویت در گروه های افراطی و سایر زمینه ها مشکلات فردی و اجتماعی زیادی را به بار خواهد آورد.

سخت گیری زیاد والدین و خانواده در این دوران و همچنین سهل گیری و آزاد گذاری آنها فرزند را موجودی

برخی از خانواده ها به شدت به حمایت فرزندان و ارضای نیازهای فوری آنان مبادرت می کنند. در این نوع خانواده ها مسئولیت کمتری به فرزندان داده می شود. فرزند در مرکز توجه خانواده قرار دارد؛ در حدی که گاهی مادر و گاهی پدر به قیمت صرف نظر کردن از نیازهای خود، نیازهای کودکان را به نحو افراطی ارضا می کنند. در این نوع خانواده-ها، معمولاً مداخله در کار کودک زیاد است؛ توجه، نظارت، مراقبت و کنترل بسیار ارزشمند تلقی می شود. تجربه ی ناکامی در این کودکان وجود ندارد. استقلال در این خانواده ها تشویق نمی شود و در نتیجه فرد تمایلی ندارد از خانواده جدا شود، تلاش کند بر روی پای خود بایستد. این کودکان در آینده در محیط کار، تحمل ناکامی ندارند، پر توقع هستند و انتظار دارند تمام کارهای آنان مورد توجه و تایید قرار گیرد و به خاطر عادت به وابستگی و اهمیت دادن بیش از حد به امنیت نمی توانند به رشدی که متناسب با توانایی ها و استعدادهای بالقوه آنان است، برسند؛ چرا که لازمه ی رشد گذشتن از مرزهای آشنا و امن و جرات تجربه ی حیطه های نا آشنا و تحمل کمی اضطراب و ناکامی است. این افراد وقتی در حد افراط مورد مراقبت و توجه قرار گرفته باشند، به رفتاری ضد اجتماعی غیرمسئولانه و خود محورانه گرایش دارند.

این خانواده ها در دوران نوجوانی فرزندان خود به مشکلات زیادی برخورد می کنند. فرزندان این خانواده ها در دوره ی نوجوانی، از طرفی به اقتضای سنین بحرانی نوجوانی و گرایش به همسالان، می خواهند از مرزهای خانواده دور شوند و از طرف دیگر دارای رشد، پختگی، مهارت-های بین فردی و حس استقلال لازم نیستند، خانواده هم که عادت به شیوه های حمایتی مراقبت و کنترل دارد هم چنان به روش های گذشته ی خود ادامه می دهد و تصور می کند



سرکش، طغیانگر و متزلزل بار خواهند آورد. از این گذشته این دوران، دوران الگو گیری و همانند سازی است و لازم است خانواده الگوهای مناسبی را برای نوجوان خود فراهم سازند. میزان حضور خانواده در اجتماع نیز در این اهمیت به سزایی دارد. هابز معتقد است که بسیاری از نوجوانان پریشان حال و آشفته به خانواده هایی تعلق دارند که از زندگی اجتماعی مجزا و بیگانه اند. خانواده در عین حال که کوچکترین واحد اجتماعی است، مبنا و پایه هر اجتماع بزرگ است. افراد سالم جامعه، افراد موفق و افراد فعال اجتماعی از داخل خانواده های سالم بیرون آمده اند و افراد ناسالم پرورش یافته خانواده های ناسالم هستند.

نقش والدین در تربیت فرزندان نهاد خانواده، جامعه نسبتاً کوچکی را تشکیل می دهد که هر یک از اعضای آن به نحوی بر دیگری تأثیر می گذارد. در چنین تأثیر متقابلی، مجموعه ای از اعتقادات، آداب، رسوم و ارزش های اخلاقی، عاطفی و اجتماعی شکل می گیرد. رشد کودکان در این نهاد نیز بیشتر متأثر از همین ارزش گذاری ها و گرایش های اخلاقی، عاطفی و اجتماعی است. از این رو خانواده به عنوان یکی از عوامل مؤثر در رشد، در ردیف سایر عوامل به شمار می رود. روابط کودک و والدین و سایر اعضای خانواده، چون شبکه و نظامی در هم پیچیده است، که افراد آن در کنش متقابل با یکدیگرند. محله، مدرسه، خرده فرهنگ و فرهنگ گسترده تری که کودک در آن به سر می برد، در تجارب، گرایش ها و ارزش گذاری های وی و نیز در میزان آزادی که والدین به وی می دهند تأثیر می گذارند.

مریم انصاری عزآبادی



معرفی کتاب

پرسیدن مهمتر از پاسخ دادن است.

این اثر دربرگیرنده ۱۴ فصل و ۲۰۴ صفحه است که می‌کوشد مفروضات ما را درباره بدیهی‌ترین پرسش‌های جهان‌شناسی به چالش بگیرد. نویسندگان در پی آنند تا سنت پرسیدن را احیا کنند و به مخاطب یادآور شوند هیچ پاسخی، پاسخ نهایی و قطعی نیست.

نویسندگان این کتاب کوشیده‌اند به شیوه‌ای سقراطی به عرصه داشته‌ها و دانش‌های ما بپردازند تا در نهایت «نمی‌دانم» سقراط را به یادمان آورند.

سؤال پرسیدن هنری است که با مبنا قرار دادن این نگاه که طرف مقابل انسانی است چون ما، می‌تواند سنگ‌بنای اصلی در دست‌یافتن به پاسخهای مناسب و نتایج

ارزشمند در هر گفتگویی باشد. سؤال پرسیدن علاوه بر آنکه می‌تواند یکی از کلیدهای اصلی در ایجاد و شروع هر ارتباطی باشد، امکان حفظ گفتگو در مسیری درست و سالم را فراهم می‌آورد. خواه این پرسشها درباره آب و هوا یا زمان باشند یا درباره مسایل دیگری چون شغل، علایق، مسایل بنیادین در باب هستی و مانند آن، امکان برقراری هر گفت و گویی را میسر می‌کنند.

نویسنده: دنیل کلاک - ریموند مارتین مترجم: حمیده بحرینی

زهرا کلانترزاده

لطفا موفقیت را باور کنید

بی تردید همه ی ما در گذر از جاده های پرفراز و نشیب زندگی نیاز به یک نقشه راهنما داریم. نقشه ای که ما را از پیچ و خم های زندگی آگاه نماید تا به سلامت و سعادت این راه سخت را طی کنیم.

در ابتدای راه زندگی، نیاز به خودشناسی و خوداندیشی و خردورزی داریم تا از نقاط ضعف و قوت خویش برای طی طریق در این سفر پرمخاطره آگاه شویم.

سپس نیاز به درک درست از مراحل بعدی زندگی مانند:

موفقیت در تحصیل، انتخاب شغل، ازدواج، تربیت فرزند و در نهایت، انسانی موفق در تمام فصول زندگی! یکی از قسمت های زیبای کتاب:

اگر شما به دیدن کسی بروید که از بیماری سختی رنج می برد و به شما می گوید: خیلی حالم بد است! آیا شما با لگد به او می زنید و به او پرخاش می کنید؟

حتما جواب می دهید به هیچ وجه! پس این مهم را هم بدانید که بیماری بر دو گونه است:

*بیماری جسمی!
اگر شخصی از سر حسادت، به ما دشمنی ورزد و باعث آزردهی ما گردد باید باور کنیم که روح او بیمار است و دقیقا مانند همان بیمار جسمی با او برخورد کنیم و برایش دعا کنیم
عاطفه سادات حسینی

آموزش همراه با قصه گویی معجزه می کند!

از میان حروف الفبا، حرفی که فراگیری و به کارگیری آن همیشه با مشکل روبرو است، حروف «ی» و «ای» می باشد. یادگیری و تشخیص اینکه در چه مواقعی شکل «ی» و در کجا شکل «ای» به کار گرفته شود برای دانش آموزان پایه اول آسان نیست، لذا برای آموزش آن باید تدبیری اندیشیده شود.

یکی از راه های رفع این چالش، "بهره گیری از قصه" باشد. بچه ها زمانی که قصه ای خوانده می شود، تمرکز حواس، دقت و آرامشی خاص دارند، که در عادت دادن آنها به خوب شنیدن بی تاثیر نیست. قصه گویی و قصه خوانی به سبب ماهیت و کارکرد تربیتی خاصی که دارد؛ می تواند همیشه حضور و نفوذ خویش را در قلب نظام آموزشی حفظ کند. قصه گویی آموزش غیر مستقیم است. پیازه روان شناس معروف گفته است "هر گاه چیزی را به کودک آموزش می دهیم مانع شده ایم تا او شخصا آن را کشف کند." در قصه گویی نوعی آزادی عمل، نشاط، صمیمیت و پرهیز از اجبار وجود دارد، و به همین سبب؛ هیچ وقت دل زدگی و خستگی در فرآیند آموزشی ایجاد نمی کند. قصه «ای» از این قرار است:

در یک روستای سرسبز و خرم، دو خانواده «ای و ه» زندگی می کنند. فرزندان این دو خانواده «ی و ه» در کنار رودخانه آب بازی می کردند. خانواده «ی» در سمت راست رودخانه بودند، خانواده «ه» در سمت چپ رودخانه.

روزی از روزها که بچه ها با یکدیگر دعوا می کنند، و گریه کنان به سوی خانه های خود می روند، پدر بزرگ و مادر بزرگ آنها جلسه ای تشکیل می دهند و سعی خود را برای حل اختلافات بکار می گیرند. در این جلسه قرار بر این گذاشته می شود؛ که پدر بزرگ و مادر بزرگ عصای خود را بین آنها بگذارند تا مانعی باشد، که جلوی دعواها را بگیرد. بنابراین؛ هر موقع کلمه ای به «ه» ختم شود و «ی» بخواهد کنار آن بیاید، باید یک عصایی بین آن دو گذاشته شود: «نامه ای، ستاره ای»

بنابراین؛ وقتی بچه ها در درس املا به چنین کلماتی بر می خورند این شعر را زمزمه می کنند تا با گذشت زمان ملکه ذهنشان شود.



عصا فراموش نشه

اگر فراموش بشه

چه جنگی برپا میشه

خون ریزی برپا میشه

شیرینی لفظات معلمی من

من یک معلم هستم. معلمی که هر روز با ده ها دانش آموز برخورد دارد. معلمی که کارش، رفتارش و گفتارش، تجلی بخش آیندگان این سرزمین است. کار من، هنری است که در علاقه ام چنگ انداخته و به تابلویی تبدیل گشته که آیندگان، خواه ناخواه، آن تابلو را در خانه هایشان و بر دیوارهای زندگیشان نصب می کنند.

امروز من یک معلم هستم. اگر چه در گذر زمان، از قبل و حال و آینده، مشکلاتی را بر سر راهم دیده ام و می بینم، اما!!! باز هم من یک معلم هستم.

اگر پزشکی، تمرکزش تنها بر شخص بیمار و یک نوع بیماری است و یا مهندسی، تمرکزش بر نوع معماریش ... من متمرکز می شوم بر دانش آموزانی که روزی خوشحالند و روزی بیمار. متمرکز می شوم بر چگونگی معلم در کلاس، تا مخاطبینم تنها حضور جسمانی نداشته باشند و ذهنشان با علاقه، درگیر کلاس باشد. متمرکز می شوم بر ساختمانی که امروز در آن درس می دهم و فرداها در آن، خاطراتم را مرور می کنم.

آری ... من یک معلم هستم.

من امروزم را با چنان پشتکاری، زیبا و عاشقانه عمل می کنم، تا تجلی آن، در فرداهای نزدیک، قلبم را خالصانه عاشقتر سازد.



فاطمه دشتی

خوب دیدن (اختلال دیکته نویسی)

در کارورزی حتماً با دانش آموزانی سروکار داشته اید؛ که برای خواندن قسمت کوتاهی از کتاب، زمان زیادی را صرف می کنند، و حوصله دیگر دانش آموزان و حتی معلم را سر می برند. یکی از مشکلاتی که ممکن است در اینگونه دانش آموزان وجود داشته باشد، "ناتوانی در حرکات سریع چشم" می باشد. این دسته از دانش آموزان وقتی می خواهند چیزی را با چشم خود تعقیب کنند، با مشکل روبرو می شوند. مثلاً؛ هنگامی که بازی پینگ پنگ، بین دونفر را تماشا می کنند، به جای تعقیب توپ-با استفاده از چرخش های نرم و سریع چشم-سر و گردنشان را در جهت حرکت توپ می چرخانند.

برای اینکه مهارت "خوب دیدن" در این گونه دانش آموزان تقویت کنیم، باید:

۱- یک مداد را در وضعیت عمودی و دور از بدن دانش آموز بگیرد. وقتی شما مداد را حرکت می دهید؛ دانش آموز با چشم هایش آن را تعقیب می کند. (در جهت های مختلف)

۲- با نوک مداد، دایره ای از چپ به راست، و برعکس (از راست به چپ) در هوا رسم نمائید، و در حین انجام این کار مشاهده خواهید کرد؛ که دانش آموز نوک مداد را با چشم خود تعقیب می کند.

این تمرینات چون خسته کننده هستند روزی یک، یا دو بار، و هر بار به مدت پنج دقیقه انجام شود.

منبع: کتاب "درمان اختلالات دیکته نویسی". نوشته ی دکتر مصطفی تبریزی، نرگس تبریزی و علیرضا تبریزی

فائزه طایفی

چندین راهکار برای درمان اختلال دیکته نویسی (عدم دقت و توجه در نقطه گذاری و سرکش)

۱. بازی با اسباب بازی ها، جابجا کردن آن ها، ذکر تفاوت بین اسباب بازی های مشابه که در چند مورد اختلاف دارند.

۲. تهیه کارت هایی از کلمات که یک حرف، نقطه، دنداننه یا سرکش آن جا افتاده باشد. دانش آموز باید نقص آن را پیدا کند.

۳. نقطه گذاری حروف و کامل کردن آن ها توسط دانش آموز

۴. انجام بازی های توالی و ترتیب تصاویر

۵. دیکته دانش آموز به معلم یا والدین (اشتباهاتی از قبیل نقطه، دنداننه و سرکش داشته باشد) و دانش آموز تصحیح کند.

۶. افزایش طول مدت توجه

۷. تشخیص صدای حیوانات (توجه شنیداری)

۹. دسته بندی حروف از لحاظ نقطه گذاری

۸. تمرین های در هم نویسی حروف و تشخیص و جداسازی آنها توسط دانش آموز

منبع: درمان اختلالات دیکته

نویسی، دکتر مصطفی تبریزی

تلخیص: فائزه طایفی



سیماء السادات سجادی

رفع مشکلات املائی

چنانچه دانش آموز از آموزش کافی برخوردار نشود؛ مرتکب این اشتباهات املائی می شود:

- شده = شوده

- امیر المومنین = امیرلمومنین

- بندگان = بنده گان و...

ضمناً دانش آموز استثنائات املائی را رعایت نمی کند:

(خوا-ا-) مثال: خواهر=خاهر

-خوراک=خُراک خُروس=خوروس

-سرهم نویسی (طبق دستور العمل دیکته)

-جدانویسی (طبق دستور العمل دیکته)

-اشکال در نوشتن صدای ا: خانه=خان خسته=خست امام=عِمام

-تنوین: حتماً=حتمن مثلاً=مثلن

روشهای درمانی:

۱- کار در زمینه استثنائات (خوا-و...)، پر کردن کلمات خالی که صدای (خوا) دارند توسط دانش آموز- این صدا بوسیله نقطه چین نوشته شده تا دانش آموزان آن را پر رنگ کنند - جمله سازی با کلماتی که صدای (خوا) دارند- پیدا کردن کلماتی که صدای (خوا) دارند در متن های مختلف از جمله روزنامه و... نوشتن کلمات مختلف که این صدا را دارند مانند: خواستن-خواهش-خواستگاری-خوابیدن-تخت خواب و... نشان دادن تصاویری که در آنها صدای (خوا) تلفظ می شود مانند: تخت خواب- خواهر- خواستگاری- و...

۲- کار در زمینه صداهای ربط (تکرار و تمرین- بر تلفظ صحیح تاکید شود- کلمات در متن پیدا شوند- جمله سازی شود- کلمات در متن پیدا شوند- و...)

۳- کار در زمینه ه آخر کلمات: (چسبان و غیر چسبان). مانند تمرین بالا انجام شود.

۴- رفع اشکالات مصطلح نویسی: (نوشتن صحیح کلمات - تاکید بر تلفظ آنها- جمله سازی و...)



نماز ما و نیاز خداوند

چرا باید نماز بخوانیم؟

شاید برای شما هم زیاد اتفاق افتاده است که کودکان گاهی از شما سوالاتی پرسیده باشند که از پاسخ دادن عاجز مانده باشید. بر پدر و مادر ها لازم است که با مطالعه و تحقیق بتوانند تا حدی جوابی بر کودک خود عرضه نمایند. واضح است که یک معلم آگاه و فرهیخته نیز باید خود را آماده ی جواب دادن به کودک پاک و خلاق خود نماید.

سعی داریم در هر شماره نشریه فرهنگیان یزد به یکی از این سوالات پاسخ دهیم. این پاسخها برگرفته از کتاب خداشناسی قرآنی کودکان نوشته ی غلامرضا حیدری ابهری است که با زبان کودکانه نوشته شده است. امیدواریم که نهایت استفاده حاصل گردد.

اگر معلم، به تو بگوید: «درس هایت را خوب بخوان

برای چیست؟ حتما می گویی برای آن است که باسواد بشوم و آینده ی بهتری داشته باشم. اگر پدران و مادران از فرزندانشان بخواهند که در کنار خوردنی ها از شیر، سبزی و خرما نیز استفاده کنند، برای چیست؟ حتما می گویی برای آن است که قوی شوند و سالم بمانند.

اگر به گل های زیبای پارک مرتب آب بدهند و نور آفتاب ببینند، برای چیست؟ حتما پاسخ می دهی برای آن است که رشد کنند و پژمرده نشوند. اگر خدا از ما خواسته که نماز بخوانیم؛ به نفع خود ماست. نماز، باعث نورانی شدن دل و پاک ماندن روح ما می گردد. نماز، نهال انسانیت و عطوفت را در وجود آدمی پرورش می دهد. حضرت محمد(ص) نماز را به رودی تشبیه کرده اند که ما هر روز پنج بار خودمان را در آن می شوئیم و از زشتی ها پاک می شوئیم. کسی که نماز می خواند و هر روز پنج بار با خدا حرف می زند، کمتر دروغ می گوید، کمتر دوستانش را اذیت می کند و کمتر حرف های زشت می زند. خداوند، انسان نماز خوان را در انجام کارهای پسندیده کمک می کند. در آیه ۴۵ سوره عنکبوت آمده است: «نماز، انسان را از کار زشت و ناپسند دور می کند». اگر انسان نماز خوان گناهی مرتکب شود؛ کم کم به برکت نماز، از گناه خود دست

می کشد و توبه می کند. در زمان حضرت محمد (ص) جوانی بود که همراه پیامبر نماز می خواند؛ ولی گاهی اوقات گناهی مرتکب می شد. عده ای نزد پیامبر آمدند و گفتند: «ای پیامبر! این جوان بعضی وقت ها گناه زشتی انجام می دهد». حضرت محمد (ص) در جواب آن ها فرمودند: «بالاخره روزی، نماز او جلوی اعمال زشتش را خواهد گرفت». همین طور هم شد. آن جوان گناه کار، بعد از مدتی توبه کرد و از اعمال بدش، دست کشید. خدا به نماز خواندن ما نیازی ندارد. این، ما هستیم که برای رسیدن به خوشبختی، به اقامه ی نماز و گفتگو با خدا نیاز داریم.

دعا می کنم زیر این سقف بلند

روی دامن زمین
هر کجا خسته شدی
یا که پر غصه شدی

دستی از غیب به دادت برسد
و چه زیباست که آن دست
خدا باشد و بس



پیامبر اکرم ﷺ: إِذَا زَأَيْتُمُ الرِّبْعَ فَأَكْثِرُوا ذِكْرَ النُّشُورِ
هرگاه بهار را دیدید بسیار یاد رستاخیز و قیامت نمائید.

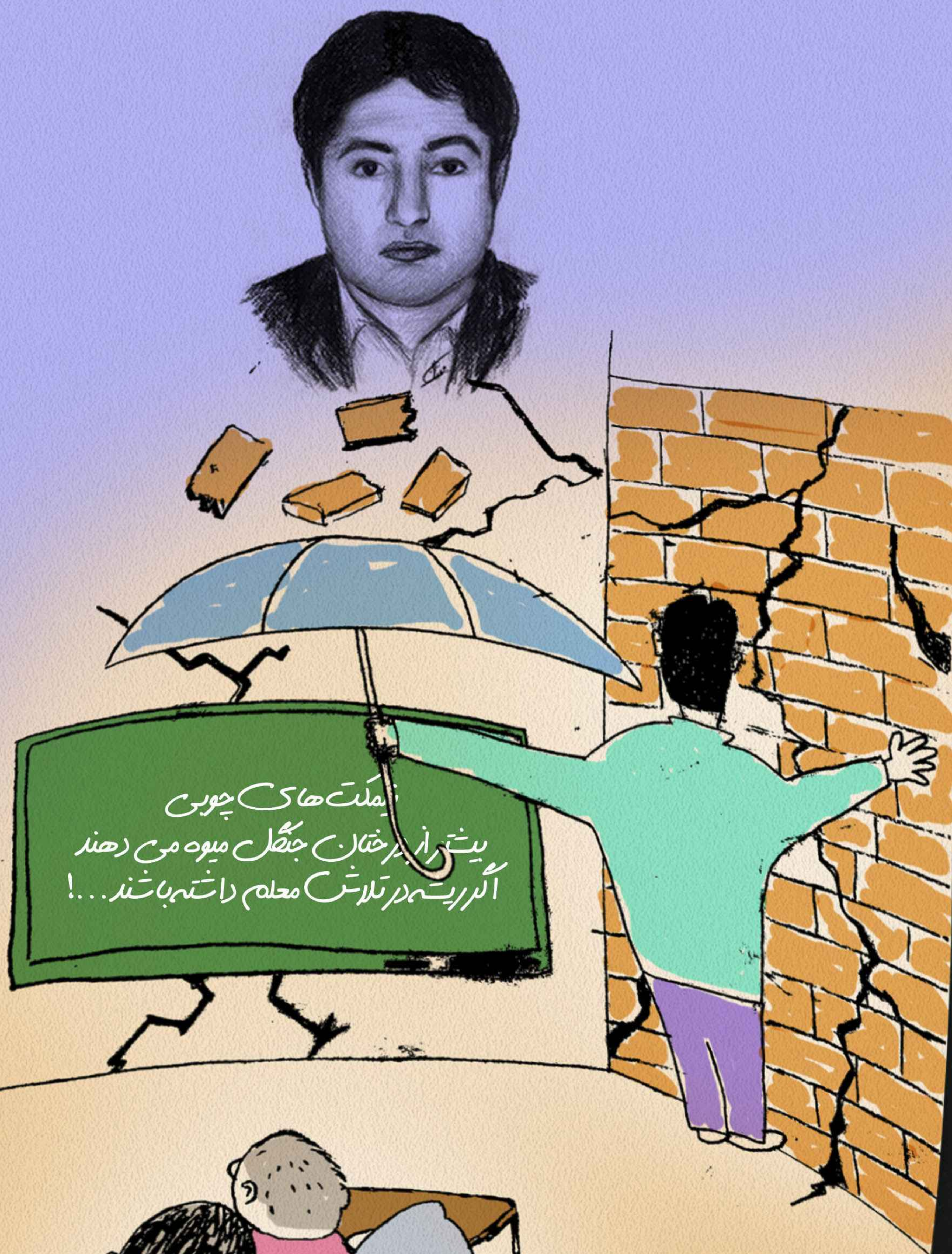
از یک کلام جانفش، صد مرده ایحای کنی
مخلم تعلیم سخن، کلا یسحای کنی
حرم کم می کوئی سخن، جان می دی بار به تن
بادانش خود هر زمان، نخی حیات جاودان

نوحی و پاکشی خود، بار به ساعی می ری
چون ناختی، با خدا، رو سوی دیامی کنی
بیسروی از نقش او، نقش خود افامی کنی
شغل تو، شغل اینها، گفت تو گفتار خدا

بادانش دیدن و سرب جان را مصفا می کنی
بس قوه می آید، فعل، از قدرت گفتار تو
تتمای با علم و غل، ایدیشه نامی رودی
از عشق در دل می مایه صد شور پرایی کنی

حردوز خویش دیگر، قدیم دیامی کنی
کو غیر حق تاثیرت، ترک معنای کنی
حرکت پذیری غرق، از حق معنای در

شاعر: علی مظفری



نیمکت های چوبی
بیشتر از خان جنگل میوه می دهند
الدریتم در تلاش معلم داشته باشند...

معلم فداکار:
مرحوم حمید رضا لنگورهی
طراح: فائده جهانگیری
کارگرافیک: سعید انظاری زارچ